قهر و آشتی در اسلام

زینب جعفری

بسم الله الرحمن الرحيم

قهر و آشتی در اسلام

نویسنده:

زینب جعفری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قهر و آشتی در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : جعفری، زینب، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : قهر و آشتی / زینب جعفری.؛ [برای] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفترعقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۸ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۹۷-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۵]- ۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : آشتی -- جنبه های مذهبی-- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۵۴/۲/ج۷ق۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۵۰۸۸۸

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

۲. قهر خانوادگی۱۷

الف) قهر با همسر۱۸

یک _ اختلاف در باورها و ارزشها۱۸

دیباچه

دیباچه

اسلام دین صلح و آشتی و دشمن قهر و جدایی است. کمتر دین و آیینی به اندازه دین اسلام به این امر پرداخته است. وجود آیات فراوان در این موضوع و همچنین سیره عملی و قولی معصومان(ع) گواه بر این مطلب است.

اسلام قهر و جدایی را نفی می کند و باهم بودن، جماعت و دوستی را ارج می نهد تا آنجا که اگر دو نفر بیش از سه روز با هم قهر کنند، آنان را از دایره اسلام خارج دانسته است، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در نخستین روزهای ورودشان به مدینه، در این جامعه تازه تأسیس اسلامی ابتدا میان مسلمانان، اخوت و دوستی ایجاد کرد، و این، از مهم ترین دلایل گسترش اسلام بود.

در عصر حاضر که زندگی های اجتماعی با پیچیدگی های خاصی روبه رو شده، بیش از هر زمان دیگر نیازمند به فرهنگ آشتی و صلح هستیم. امروزه اگرچه جوامع متراکم تر و فشرده تر شده اند، روح دوستی و صلح از آنها رخت بربسته است و همواره شاهد پیدایش روزافزون زمینه های جدایی و قهر، میان افراد، در اجتماع و خانواده ها هستیم. در این میان، رسانه ملی مسئولیت سنگینی بر عهده دارد. رسانه می تواند در

برنامه های مختلف آثار و زیان قهر و جدایی را بیان کند و طعم شیرین صلح و دوستی را به ذائقه مخاطبان بچشاند.

بدین منظور، پژوهشگر ارجمند سرکار خانم زینب جعفری اثر حاضر را تألیف کرده و در اختیار برنامه سازان قرار داده است. ضمن سپاس گزاری از ایشان، امید داریم که این اثر برنامه سازان را در تهیه برنامه هایی در باره این موضوع یاری دهد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

انسان نیازمند زندگی اجتماعی است. ازاین رو، در آموزه های دینی به چگونگی روابط مسلمانان با یکدیگر اهمیت داده و از آنها خواسته شده است که برادرگونه در کنار هم زندگی کنند؛ چرا که آنها در اصل با هم برادرند: «إِنَّما الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (حجرات: ۱۰)

گاهی در زندگی خانوادگی و اجتماعی حوادثی رخ می دهد، که به دلخوری و برداشت های نادرست طرفین و در نهایت به قهر و جدایی دوستان، همسران، همکاران و... با یکدیگر می انجامد. این امر افزون بر آسیب های روحی و فردی، زیان های خانوادگی و اجتماعی نیز به دنبال دارد و تأثیر منفی آن، بر رفتار اطرافیان فرد نیز انکارناپذیر است. ازاین رو، در آموزه های دینی به شدت از این رفتار ناپسند نکوهش و از مسلمانان خواسته می شود که به بهانه های پوچ و بی اساس، روابط و پیوندهای خود را به هم نزنند.

اساس اختلاف ها و کشمکش ها، سوء تفاهم ها، غرور و تکبر، کینه، نفرت و حسد و... است، و این امر نتیجه بی توجهی به آموزه ها و باورهای اسلامی است. مسلمانان باید بدانند که مسلمان بودن تنها به عنوان نیست، بلکه گفتار و کردار مسلمان واقعی باید براساس دستورهای اسلام باشد و هر جا اختلاف و برداشت نادرستی رخ داد، از

خودخواهی دست بردارند و از دل و جان تسلیم دستورهای الهی شوند، که خداوند خود، به مسلمانان توصیه کرده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان الهی [قرآن و اسلام] چنگ زنید و پراکنده نشوید». (آل عمران: ۱۰۳)

در چنین شرایطی، اختلاف ها کم رنگ می شود و جدایی و فاصله ها فرصت آشکار شدن پیدا نمی کنند.

در این کتاب، پس از بیان علل و عوامل قهر و استمرار آن، آثار زیانبار فردی، خانوادگی و اجتماعی این پدیده شوم را بررسی و آن گاه به اهمیت و ارزش آشتی و اصلاح در آموزه های دینی اشاره می کنیم. در پایان، پیشنهادهایی را برای برنامه سازان و تهیه کنندگان ارائه داده ایم. امید که این اثر، گامی هر چند کوچک در جهت تقویت پیوندها و رابطه های افراد باشد و هرگاه دچار اختلاف و سوء تفاهم شدند، به دور از هرگونه خودبرتربینی و خودخواهی، تسلیم دستورها و آموزه های حیات بخش اسلام شوند.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

یکی از مسائل گریزناپـذیر در زندگی انسان، برقراری ارتباط با دیگران است. او موجودی اجتماعی است و برای ادامه زندگی و پیمودن راه کمال، نیازمند برقراری ارتباط درست و انسانی با همنوعان خود است. اسـتعدادهای نهفته فرد، در اجتماع شـکوفا می شود و دانش و تمـدن در سـایه همزیستی ها پیشـرفت می کنـد. همه انسان ها از تنهایی گریزاننـد و دوست دارنـد در جمع خانواده و دوسـتان به زندگی ادامه دهند، از دوری آنها دچار اندوه می شوند و برای بازگشت به جمع آنها، لحظه شـماری می کننـد. این بـدین دلیـل است که خداونـد متعـال در دل بشـر حس همنوع دوستی قرار داده است تـا با هم مهربان و خوش رفتار

باشند و زندگی اجتماعی ادامه یابد.

در دین مقدس اسلام نیز ارتباط با دیگران سفارش شده است، چنان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

انسان باایمان اهل الفت است و با دیگران انس می گیرد و دیگران نیز با او انس می گیرنـد. کسـی که با دیگران انس نگیرد و دیگران هم با او مأنوس نشوند، خیری در او نیست.(۱)

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۱، ص ۳۳۵.

ولی گـاهی برداشت هـای نـادرست افراد از گفتـار و کردار یکـدیگر زمینه سـاز برخوردهای اشـتباه و نامناسب و سـبب تیرگی روابط آنها با یکـدیگر می شود که گاه به قطع رابطه نیز می انجامـد. هدف ما در این پژوهش، شـناخت و کشف علل و انگیزه هـای این قطع رابطه هـا، بررسـی آثـار زیان بار آن در خانواده ها و جامعه و عرضه راهکارهایی برای کاسـتن از این آثار منفی است.

۲. اهمیت قهر و آشتی در اسلام

۲. اهمیت قهر و آشتی در اسلام

دین مقـدس اسـلام بـا توجه به اهمیت و سازنـدگی روابـط سـالم و انسـانی در میان افراد جامعه، آموزه هایی در این زمینه بیان کرده است تا پیروانش روابط خویش را براساس آنها تنظیم کننـد. امیرمؤمنان، علی(ع) در هنگام شـهادت فرمود: «فرزندانم! به پیوند با یکدیگر، بخشش یکدیگر و نیکی در حق یکدیگر پایبند باشید و از جدایی بپرهیزید».(۱)

همچنین، روزی رسول خدا صـلی الله علیه و آله به اصـحاب خود فرمود: «آیا شـما را خبر دهم از چیزی که بهتر از نماز و روزه بسیار است؟» اصحاب گفتند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: «آشتی با یکدیگر؛ از دشمنی بپرهیزید که ایمان را نابود می کند».(۲)

ارتباط شایسـته با برادر مؤمن، به اندازه ای مهم است که بنابر آموزه های اسـلامی، اگر دو مسـلمان بیش از سه روز با یکدیگر قهر باشند، از گروه مسلمانان خارج می شوند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دراین باره فرمود:

هرگاه دو مسلمانی که با یکدیگر قهرند، تا سه روز با هم آشتی نکنند، هر دو از گروه اسلام خارج می شوند و میان آنها پیوند دینی نخواهـد بـود. پس هر کـدام کـه زودتر سـخن گفـت و آشـتی کرد، در روز قیـامت زودتر از دیگری بـه بهشـت خـواهد رفت.(۳)

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۴۷، ص ۵۵۹.

۲- متقی هندی، کنز العمال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ هـ . ق، ج ۳، ص ۲۸، ح ۵۴۸۵.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، ج ۴، ص ۴۵.

نیز فرمود: «اگر دو مسلمان که با هم قهرند، در حالی بمیرند که هنوز آشتی نکرده اند، هر دو غیرمسلمان مرده اند.»(۱) همه این سفارش در پیوند مؤمنان با یکدیگر، به خاطر حفظ عظمت و توانمندی امت اسلامی است؛ چراکه مسلمانان در صورت داشتن روابط صمیمانه و استوار با یکدیگر، به راحتی می توانند بر سختی ها و مشکلات چیره شوند.

حال اگر کشمکش ها و اختلاف های جزئی حل نشود و کسی هم به فکر اصلاح آنها نباشد، دشمنی و کینه تا عمق جان ها نفوذ و آنها را از یکدیگر دور می کند و در نهایت، دشمن با استفاده از این فرصت، اسباب پراکندگی و سقوط جامعه اسلامی را فراهم می سازد. ازاین رو، در دین مقدس اسلام، به همه کسانی که با هم اختلاف دارند، سفارش شده هرچه زودتر برای برطرف کردن اختلاف های خویش اقدام کنند و با عذرخواهی از یکدیگر، زنگار کینه و دشمنی را از دل هم بزدایند. افزون بر این، از امام صادق(ع) نقل می کنند که فرمود: «اگر دو نفر با هم قهر باشند، سزاوار لعن خدا می شوند.» یکی از یاران امام پرسید: ستمکار، سزاوار لعن است، ولی ستمدیده چرا باید لعن شود؟ امام فرمود: «زیرا برادر خود را به صلح و آشتی فرانمی خواند و از گفتار [ناخوشایند] او چشم نمی پوشد».(۲)

۳. هدف های پژوهش

۳. هدف های پژوهش

این پژوهش درصدد است ضمن بیان اهمیت آشتی در اسلام، آشتی هایی را که آثار منفی بر رفتار و شخصیت فرد دارند و عوامل کدورت آور در میان افراد و خانواده ها را شناسایی و آثار منفی بعضی قطع رابطه ها را،

۱- کنز العمال، ج ۹، ص۳۳.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۳.

هم بر روی خانواده ها و هم بر جامعه بررسی کند و درنهایت، راهکارهای دست یابی به آشتی و دوستی را به خانواده ها ارائه دهد.

۴. پرسش های پژوهش

۴. پرسش های پژوهش

الف) دیدگاه اسلام درباره قهر و آشتی چیست؟

ب) کدام قهر و آشتی ها سازنده و کدام زیان بارند؟

ج) چه عواملی سبب ایجاد سوء تفاهم و کدورت میان افراد و خانواده ها می شود؟

د) قهر چه تأثیری بر خانواده ها و جامعه دارد؟

هـ) چه راهکارهایی برای جلوگیری از قهر یا برقراری آشتی میان افراد و خانواده ها و گروه های داخل جامعه وجود دارد؟

و) رسانه در ایجاد قهر و آشتی سازنده و زیان بار میان افراد و خانواده ها و گروه های داخل جامعه چه نقشی دارد؟

۵. فرضیه های پژوهش

۵. فرضیه های پژوهش

الف) اسلام بر اهمیت خوش رفتاری و پیش قدم شدن در امر آشتی سفارش کرده است.

ب) رعایت آداب اخلاقی و برخورد درست، سبب کاهش زمینه های قهر و کدورت می شود.

ج) انسان در شرایط خاص، اجازه دارد به قهر و قطع رابطه خود ادامه دهد.

۶. روش پژوهش

۶. روش پژوهش

روش این طرح پژوهشی، تحلیلی ـ تبیینی است؛ یعنی برای رسیدن به هدف های پژوهش نخست اطلاعات لازم را گرد آورده و سپس با

بررسی و ریشه یابی، به علت ها دست یافته ایم. آن گاه راهکارهایی برای آشتی و دوستی پیشنهاد کرده ایم.

۷. پیشینه پژوهش

۷. پیشینه پژوهش

پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان دین علیهم السلام از قرن ها پیش به نوع ارتباط مسلمانان با یکدیگر توجه و برای اصلاح روابط میان مؤمنان سفارش هایی کرده اند. این سفارش ها در کتاب های اخلاقی مانند معراج السعاده و جامع السعادات در بحث اهمیت قهر و آشتی در اسلام آمده و در بعضی کتاب ها نیز جنبه هایی از این موضوع بررسی شده است. خانواده در قرآن، آیین همسرداری، اخلاق خانواده، اخم هایت را باز کن دلم گرفت، آشتی و مصالحه میان زن و مرد، خواهر و برادر های سازگار، فرهنگ تفاهم در ارتباط والدین و فرزندان، صله رحم، بهار رابطه، آیین دوستی، راه و رسم دوستی و معاشرت، مهر و قهر در ساختار شخصیت کودک و نوجوان، و جوانان و انتخاب دوست، از جمله این کتاب ها هستند.

۸. مفهوم شناسی

۸. مفهوم شناسی

راغب اصفهانی در معنای قهر و هجران می نویسد: «اَلْهِجرُ وَ الْهِجْرَانُ: مُفَارَقَةُ الْإِنْسانِ غَيْرُه إِمّا بِالْبَدَنِ أَوْ بِاللِّسانِ أَوْ بِالْقَلْبِ؛ جدایی انسان از دیگری خواه با جسم، خواه با زبان، خواه با قلب باشد».(۱)

دهخدا در لغت نامه خویش، در معنای «قهر» چنین آورده است:

زبردستی، چیره [شدن] و غلبه کردن، ظلم و جور، ستم و تعدی، خوار کردن، توانایی و قوّت، انتقام، سختی و درشتی، آزار، سیاست و تنبیه، عذاب و عقوبت و خشم و غضب، اما در اصطلاح فارسی و روزمره، قهر کردن با کسی؛ یعنی از تکلم با او یا دیدار او کراهت داشتن.(۲)

۱- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۴۱۶ هـ.ق، چ ۱، ص ۸۳۳.

۲- لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱۲، دوره جدید، ص ۱۷۸۲۴.

دهخدا در معنای آشتی نیز می نویسد: «دوستی از نو کردن، ترک جنگ، صلح و مصالحه، سازش و مسالمه، رنجشی را از کسی فراموش کردن.» اصطلاح آشتی جستن به معنای «استرضا، استعتاب، آشتی خواستن و صلح طلبیدن» آمده است. اصطلاح آشتی دادن نیز هنگامی به کار می رود که زمینه ای برای «اصلاح و سازگاری»(۱) دو طرف فراهم شود. حال ممکن است این زمینه را یکی از دو طرف که با هم قهرند، فراهم کند، یا شخص سومی این زمینه را به وجود آورد. اصطلاح آشتی پذیری نیز برای بیان قابلیت وفق و اصلاح افراد به کار می رود.(۲) آشتی کنان، عمل آشتی کردن است و به مجلسی که برای آشتی کردن و آشتی دادن ترتیب دهند نیز آشتی کنان گفته می شود. «آشتی خواره» حلوا یا غذایی است که پس از آشتی دو نفر، آن دو یا دوستانشان در جایی صرف کنند.(۳)

۹. جنبه های قهر و آشتی

۹. جنبه های قهر و آشتی

هم قهر و هم آشتی، گاهی زیان بار و گاهی سازنده اند. قهر سازنده قهری است که می توان به عنوان راهکاری تربیتی از آن یاد کرد. با این ابزار می توان ناراحتی و آزرده خاطری خود را از رفتار نادرست یا توهین آمیز طرف مقابل به او فهماند تا به اشتباه خود پی ببرد و درصدد اصلاح رفتارش برآید، مانند قهر والدین با فرزندشان به خاطر رفتار نادرست فرزند.

آشتی زیان بار نیز یعنی فرد از سخن یا عمل نادرست اطرافیان رنجیده خاطر شود، ولی به دلیل پیوندهای شدید عاطفی با آنان، از خطایشان چشم بپوشد. با گذشت زمان، این کدورت ها انباشته می شود و فرد را چنان می آزارد که ممکن است با کمترین رنجش، خشم

۱- لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱، ص ۱۴۸.
۲- لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۱، ص ۱۴۹.
۳- نک: محمد معین، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۷۵۵.

فروخورده اش شعله ور شود و درحالی که در برابر اشتباه های بزرگ تر هیچ واکنشی از خود نشان نمی داد، با یک اشتباه کوچک، واکنشی دور از انتظار نشان دهد. گاهی نیز ممکن است طرف مقابل، ویژگی هایی داشته باشد که شایسته دوستی نباشد. در این موارد قطع رابطه ضروری است، مانند قهر با گناه کاران و کسانی که صفت های زشت و اخلاق ناشایست دارند و به راحتی به حریم دیگران تجاوز می کنند. در این باره آمده است: شبی حارث بن مغیره به سوی خانه خود می رفت. در راه، امام جعفر صادق(ع) را دید و به ایشان سلام کرد. امام سلامش را پاسخ داد و به او فرمود: «ای حارث! بار گناهان نابخردان شما بر دوش خردورزان و آگاهان شما خواهد بود!» سپس خداحافظی کرد و رفت. این جمله امام، فکر حارث را مشغول کرد. روز بعد به خدمت حضرت رسید و پرسید: منظور شما از سخن دیشب چه بود؟ امام فرمود: «مطلب همان است که گفتم؛ بار گناهان نابخردان شما را خردورزان خواهند کشید. چرا هنگامی که یکی از شما کار ناپسندی مرتکب می شود، دانایان او را پند نمی دهند و با سخنان شایسته، او را از این کار بازنمی دارند؟» حارث منظور امام را فهمید و گفت: «زیرا نصیحت ما را نمی پذیرند و هیچ گونه حرف شنوی از ما ندارند، ما باید با آنها چه کنیم؟!» امام فرمود: «اگر چنین است، با آنها قهر کنید و ارتباط خود را با آنها ببرید».(۱)

بنابراین، همه قهرها بد نیستند، بلکه گاهی قهر لازم و کارآمد است. همه آشتی ها نیز سازنده نیستند و بعضی آشتی ها نابجا و زیان بارند و بر آینده فرد اثر منفی می گذارند. در آموزه های دینی و اسلامی بر پیوند با افرادی سفارش شده است که ارتباط با آنها برای فرد مفید و در زندگی اش اثرگذار است، مانند ارتباط با والدین و صله رحم که قطع ارتباط با آنها به شدت نکوهش

۱- نک: محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، چاپ بیروت، ۱۴۰۳ ه_ .ق، ج ۷۱، ص ۱۹۶.

شده، چنان که حضرت علی(ع) زشت ترین گناهان را بریدن از خویشان و بدرفتاری با والدین خوانده است.(۱)

قهر زیان بار نیز قهری است که خطاکار به اشتباه خود پی برده و با عذرخواهی درصدد رفع کدورت ها و جبران خطاها برآمده است، ولی طرف مقابل اشتباه وی را نمی بخشد، درحالی که اگر اهمیت و ارزش عذرپذیری و بخشش را بداند، راحت تر می تواند از اشتباه ها درگذرد و خود و دیگران را شاد سازد. حضرت علی(ع) پذیرفتن عذرخواهی کسی را که حتی به دروغ برای کوتاهی در کارش بهانه می تراشد، لازم دانسته و فرموده است: «لا یَعتَذِرُ إلَیکَ أحَدٌ إلّا قَبِلْتَ عُذْرَهُ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ کاذِبٌ؛ عذر هرکس را که از تو پوزش خواهد بپذیر، گرچه بدانی که دروغ می گوید».(۲)

پیامبر گرامی نیز درباره کسی که عذر دوستش را نپذیرد، می فرماید:

مَنْ أَتاهُ أَخُوهُ مُتَنصِّلاً فَلْیَقْبَلْ ذلکَ مِنْهُ مُحِقّاً کانَ أَوْ مُبْطِلاً فَإِنْ لَمْ یَفْعَلْ لَمْ یَرِدْ عَلَیَّ الْحَوْضَ.(۳)

هر کس برادرش برای عذرخواهی نزد او آید، باید عذرش را بپذیرد؛ خواه عذرش پذیرفتنی باشد یا نباشد. اگر نپذیرد، کنار حوض (کوثر) بر من وارد نشود.

۱۰. مراحل قهر

اشاره

۱۰. مراحل قهر

زیر فصل ها

الف) مرحله ابتدایی قهر

ب) مرحله پایداری قهر

الف) مرحله ابتدایی قهر

الف) مرحله ابتدایی قهر

انسان در سایه دوستی و محبت، شیرینی زندگی را بهتر درک می کند و از احساس غربت و تنهایی که از نداشتن دوست خوب سرچشمه می گیرد، رها می شود. امیرمؤمنان، علی(ع) در این زمینه می فرماید: «انسان تنها، کسی است که دوستی ندارد».(۴)

۱- نک: محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶،چ۲، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۳۲۵۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، صص ۳۵۳۴ و ۳۵۳۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، صص ۳۵۳۴ و ۳۵۳۵.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۳۹، ص ۵۳۷.

برقراری رابطه دوستانه، همراه با خواسته ها و انتظارهایی است که اگر این خواسته ها، خواه به دلیل ناتوانی طرف مقابل یا به دلیل منطقی نبودن آن خواسته برآورده نشود، فرد آزرده خاطر می شود. در صورت تکرار یا برطرف نشدن این رنجش ها، کدورت ها انباشته و سرآغاز قهر و جدایی می شود. ازاین رو، حضرت علی(ع) می فرماید: «کدورت، سرآغاز جدایی است.»(۱) با ادامه یافتن این کدورت ها، فرد از روابط خود با دیگران می کاهد و گاهی در فرصتی مناسب از آنها انتقام می گیرد.

بعضی قهرها و جدایی ها نیز به سبب برداشت های نادرست از رفتار و گفتار اطرافیان است؛ زیرا گاه فرد بدون درک درست از دلیل واقعی سخن یا عمل دوستانش، پیش داوری می کند و براساس نتیجه آن پیش داوری، آنها را متهم می سازد. سپس شتاب زده و خشمگین، ناراحتی و نارضایتی خود را ابراز می کند و چه بسا مرتکب گناهانی چون تهمت، غیبت و سخن چینی نیز شود. در این صورت، شاید آتش درونش خاموش و از شدت خشمش کاسته شود، ولی ایمانش را سست کرده است. ازاین رو، امیرمؤمنان، علی(ع) می فرماید: «مراقب باش که خشم، تو را به ارتکاب گناه وادار نکند؛ چراکه درنتیجه [اِعمالِ] خشمت شفا می یابی، ولی دینت بیمار می شود.»(۲) در بیشتر موارد، تفاوت شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افراد، سبب می شود دلیل رفتارهای یکدیگر را به درستی درک نکنند و نتوانند خواسته های یکدیگر را برآورده سازند.

ب) مرحله پایداری قهر

ب) مرحله پایداری قهر

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: بهزاد جعفری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴.

۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مصر، ج ۲، ص ۳۲۸.

یکی از عوامل تـداوم قهر و جدایی، کوتاهی دو طرف در پیش قدم شدن برای آشتی کردن است؛ چراکه هر دو فکر می کنند اگر پیش قـدم شونـد، افزون بر پـایین آمـدن مقامشـان، اشـتباه طرف مقابـل نیز به پـای آنهـا نوشـته و بـا این کـار، طرف مقابل جسورتر می شود. گـاهی نیز فرد خطاکار، مقام خود را بالاتر از آن می بینـد که عـذرخواهی کنـد و این کار را تهدیـدی برای مقام و موقعیت خویش می پندارد، درحالی که حضرت علی(ع) می فرماید:

چـون برادرت از تـو جـدا گردد، تـو پیونـد دوسـتی را برقرار کن. اگر روی برگردانـد، تو مهربـانی کن و چون بخـل ورزد، تو بخشـنده باش. هنگامی که دوری می گزیند، تو نزدیک شو و چون سـخت می گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناه، عذرش را بپذیر.(۱)

گاهی نیز افراد فرصت طلب، از قهر و جـدایی دیگران سوءاسـتفاده می کنند و با خبرچینی و سـخن پراکنی، آنها را به یکدیگر بدگمان می سازند و بر دشـمنی ها می افزایند. حضـرت علی(ع) در نکوهش این افراد می فرماید: «بدترین شـما سـخن چینانند که میان دوستان جدایی می افکنند و درصدد عیب تراشی از پاکان هستند».(۲)

گاهی برخی افراد مسئله ای را که از آن رنجیده اند، بسیار بزرگ جلوه می دهند و ناخودآگاه آتش خشم را در وجود خویش شعله ور می سازنـد. آنها برای خاموش کردن این آتش، سـخنانی بر زبان جاری می کنند که شاید به طور موقت خشم آنها را فرو نشانـد، ولی اگر در آینده دشـمنی شان به دوستی تبدیل شود، آن سـخنان مایه شـرمساری یا عذاب وجدانشان خواهد شد. ازاین رو، حضرت علی(ع) می فرماید:

اگر خواستی از برادرت جـدا شوی، جایی برای دوستی باقی گـذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو بازگردد، بتوانـد...(۳) با دوستت نیز به

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مصر، نامه ۳۱، ص ۵۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۳۵.

اندازه دوستی کن، شاید روزی دشمنت شود. دشمنت را هم در حد اعتدال دشمن بدار، شاید روزی با تو دوست شود.(۱)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۶۸، ص ۶۹۵.

فصل دوم: گونه های قهر و زمینه های بروز آن

اشاره

فصل دوم: گونه های قهر و زمینه های بروز آن

زیر فصل ها

۱. قهر با خدا

۲. قهر با خانواده

۳. قهر با اجتماع

۱. قهر با خدا

اشاره

۱. قهر با خدا

مقصود از قهر بـا خـدا، این است که انسـان بـا آلودن خود به گناه و کوتاهی در انجام دادن تکالیفی که خداونـد بر عهـده اش نهاده، خشم الهی را برانگیزد و از او دور شود.

عوامل قهر با خدا عبارتند از:

الف) انجام گناه

الف) انجام گناه

گناه، دل و روح آدمی را کـدر و او را به انجام دادن کارهای پسـندیده بی میل می سازد و زمینه ساز ارتکاب به گناهان دیگر نیز می شود. در نظر گناه کار زشتی گناهان، زیبا جلوه می کند و اثر آن را بر دل خویش نمی بیند. چنین فردی کارهای زشت خود را توجیه می کند تا از سرزنش وجدان آگاه خویش در امان باشد و در عین حال، ممکن است خود را از دوستداران خدا شمـارد. در این زمینه امـام صـادق(ع) فرموده است: «خداونـد کسـی را که از فرمانش سـرپیچی کنـد، دوست نمی دارد». و در ادامه، این شعر را خواند:

نافرمـانی خـدا را می کنی و بـاز ادعـای دوستی او را داری؟ این نـاممکن و از کارهای بی سابقه است. اگر دوستی ات راستین بود، از او فرمان می بردی؛ زیرا که دوستدار، فرمان بر کسی است که دوستش دارد.(۱)

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

انسانی که به فطرت الهی خود پشت کند و بر سر دوراهی نفس و فطرت، به هوس های شیطانی دل بسپارد، اسیر گرداب تباهی می شود. سرکشی در برابر فرمان های الهی، فطرت خداجو و نورانی آدمی را زیر بار گناه دفن می کند؛ ازاین رو، امام صادق(ع) فرموده است: «ما أَحَبَّ اللهَ مَنْ عَصاهُ؛ کسی که گناه می کند، خدا را دوست ندارد».(۱)

خداوند به دلیل علاقه به بندگانش و برای تشویق آنها به سوی خوبی ها، می فرماید: «هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش گیرد و هرکس کار بدی انجام دهد، تنها همانند آن کیفر شود، بی آنکه ستمی بر او رفته باشد».(انعام: ۱۶۰)

اوج دوستی و مهربانی خدا با بندگانش، در این سخن پیامبر گرامی اسلام آشکارتر می شود که فرمود: «مؤمن در هفتاد و دو پرده است. چون گناهی کند، یک پرده دریده شود و اگر توبه کرد، خداوند آن پرده را با هفت پرده دیگر به او بازمی گرداند».(۲)

ب) دنیا دوستی

ب) دنیا دوستی

دنیادوستی، ریشه همه گناهان و اصلی ترین مانع خدادوستی است. دنیادوستی در فرهنگ اسلامی؛ یعنی هدف قرار دادن امکانات و لذت های مادی و دنیایی. البته استفاده از نعمت های دنیا برای رسیدن به قرب الهی، نه تنها دنیادوستی به شمار نمی رود و مانع محبت خدا نیست، بلکه مقدمه آن است. هدف قرار گرفتن لذت های مادی، خطرناک ترین آفت معنویت و محبت است. دلی که جایگاه محبت دنیاست و از

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۰۷، ح ۶۶۵۹.

روشنایی معنوی بی بهره است، چگونه می تواند عرش رحمان باشد و نور آسمان ها و زمین را در خود جای دهد.(۱)

ازاین رو، امیرمؤمنان، علی(ع) فرمود:

کَما أَنَّ الشَّمْسَ وَ اللَّیْلَ لا یَجْتَمِعانِ کَذلِکَ حُبُّ اللهِ وَ حُبُّ الدُّنْیا لا یَجْتَمِعانِ.(۲)

همچنان که خورشید و شب با یکدیگر جمع نمی شوند، خدادوستی و دنیادوستی نیز با یکدیگر جمع نمی شوند.

کسانی که کمال خوشبختی و سعادت خود را دستیابی به نعمت ها و زیبایی های دنیا می دانند، تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن به کار می گیرند و به خاطر آن، به هر کار ناشایستی دست می زنند، به گونه ای که دیگر امیدی به هدایتشان نیست. سرانجام، قهر الهی آنها را فرامی گیرد و خداوند ایشان را به حال خود وامی گذارد. دراین حال، نعمت های دنیا به آنان رو می کند تا خدا و استغفار را فراموش کنند. امیرمؤمنان، علی(ع) دراین باره هشدار می دهد و می فرماید:

یَابْنَ آدَمَ إِذا رَأَیْتَ رَبَّکَ سُبْحانَهُ یُتابِعُ عَلَیْکَ نِعَمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِیهِ فَاحْذَرْهُ.(۳)

ای فرزند آدم! هنگامی که ببینی خداوند پی در پی به تو نعمت می بخشد، درحالی که تو نافرمانی او می کنی، پس، از (عذاب) خدا بترس.

بنابراین، انسان باید همواره مراقب نفس سرکش خود باشد و او را دشمن همیشگی خود بداند، حیله ها و نیرنگ هایش را بشناسد و با دو نیروی ترس از

۱- نک: محمد محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه: حسن اسلامی با همکاری محمد تقدیری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹، ص ۳۳۶.

۲- محمد محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه: حسن اسلامی با همکاری محمد تقدیری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹، ص ۴۱۱، ح ۱۱۸۵.

۳- فیض الاسلام، شرح نهج البلاغه، تهران، صحافی فقیه، ص ۱۰۹۸، حکمت ۲۴.

قهر خـدا و صبر در برابر وسوسه هـای نفسـانی، آن را کنترل کنـد. در این صورت، از دوسـتان خـدا می شود، چنـان که پیـامبر گرامی اسـلام در پاسـخ مردی که می خواست از دوستان خـدا و رسولش باشـد، فرمود: «آنچه خـدا و پیامبرش دوست دارند، دوست بدار و آنچه دشمن می دارند، دشمن بدار».(۱)

برای پایـداری این دوستی، انسـان بایـد بر شـناخت و معرفت خود از پروردگـارش بیفزایـد، احکـام دین را بشـناسد و آن را در زندگی فردی و اجتماعی خویش به کار گیرد، همان گونه که امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «مَنْ عَرَفَ اللّهَ أحَبَّهُ؛ هر کسی خدا را بشناسد، دوستش خواهد داشت».(۲)

۲. قهر با خانواده

اشاره

۲. قهر با خانواده

نیازهـای عـاطفی و حیـاتی انسـان، در خـانواده تـأمین می شود. رابطه اعضـای خـانواده با یکـدیگر بایـد به دور از دغـدغه ها و کشـمکش هـای بیرونی، بسـیار نزدیک و محکم باشـد و در مشـکلات و سـختی های روزگار، یاور و پناه یکـدیگر باشـند. در چنین خـانواده هایی افراد، با اعتماد به کمک و همراهی خانواده، مسـئولیت پذیرترنـد و پی آمـد کارهای خود را نیز راحت تر می پذیرنـد، ولی گـاهی عواملی سـبب می شود میان اعضای خانواده یا خویشان و بسـتگان، ناراحتی و رنجشـی ایجاد شود که این امر، مانعی بر سـر راه برآورده شدن نیازهای عاطفی انسان است و او را افسرده و ناامید می سازد. گونه های قهر خانوادگی را می توان چنین برشمرد:

۱- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۵۹، ح ۱۰۳۲، به نقل از: کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

۲- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۵۹، ح ۱۰۳۲، به نقل از: کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۳۲.

الف) قهر با همسر

اشاره

الف) قهر با همسر

بنیان خانواده بر پایه دوستی و محبت زن و شوهر استوار است. همراهی و یکرنگی آنها با یکدیگر، دل های دیگر اعضا را نیز به هم نزدیک و خانواده را به آینده امیدوار می کند، ولی گاهی برخی کدورت ها سبب سست شدن بنیان خانواده می شود. غرورهای بی جا، خواسته های بیش از توان، بدگمانی، خودخواهی، برخوردهای تحقیرآمیز، درک نکردن شرایط روحی همسر و به رخ کشیدن عیب های او، از جمله عوامل اختلاف آفرین میان زن و شوهر هستند. با طولانی شدن بحث ها، تکرار مسائل ناراحت کننده و یادآوری خاطرات آزاردهنده، سرانجام صبر و تحمل یکی از زوجین یا هر دو پایان می یابد و خانواده ای که می توانست خوشبخت و سعادتمند باشد، از هم می پاشد. عوامل قهر با همسر عبارتند از:

یک _ اختلاف در باورها و ارزش ها

یک _ اختلاف در باورها و ارزش ها

اختلاف ارزش ها و باورهای دو همسر، یکی از عوامل مهم درگیری های خانوادگی است، حال آنکه لازمه تداوم زندگی مشترک، وجود دیدگاه ها و هدف های مشترک است. دو نفر که در دو فرهنگ جداگانه با آداب و رسوم و ارزش های متفاوت رشد کرده اند، در زندگی مشترک نیز نمی توانند هماهنگ با یکدیگر رفتار کنند و هنگام روبه رو شدن با هر مشکلی، دیگری را به دلیل پای بندی به ارزش ها و باورهایش، مقصر می دانند. برای مثال، یکی بی توجهی همسرش به ارزش های دینی و مذهبی را عامل مشکل ساز می داند و دیگری معتقد است، به دلیل قیدوبندهای دینی، همسرش از پیشرفت بیشتر در زندگی بازمانده است.(۱)

۱- نک: حبیب الله طاهری، سیری در مسائل خانواده، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۳.

دو _ اعتیاد همسر

دو _ اعتیاد همسر

از دیگر عوامل اختلاف همسران که می توانـد به قهر منجر شود، اعتیـاد به مواد مخـدر است. اعتیـاد نه فقـط فرد معتـاد، بلکه خـانواده او را نیز دچـار مشـکل می کنـد. از پی آمـدهای اعتیاد، بیکاری است. با آشـکار شـدن نشانه های اعتیاد، دیگر کسـی حاضـر نمی شود به فرد معتـاد کـاری بدهـد و او در این شـرایط، برای تـأمین مواد مورد نیازش، به هر کاری دست می زنـد؛ از فروش وسایل خانه گرفته تا جرم هایی چون دزدی و قتل. ازاین رو، پیامبر گرامی اسلام، مسلمانان را از مصرف این گونه مواد بازداشته و فرموده است: «کسی که گناه کشیدن بنگ [مواد مخدر] را ناچیز شمارد، کافر است».(۱)

از دیگر پی آمـدهای اعتیاد، بی اعتمادی است. فرد معتاد، در آنچه می گویـد صـداقت ندارد و کار و اسـرارش را از همسـرش پنهـان می کنـد. اعتیـاد، احساس مسـئولیت فرد در برابر خانواده اش را نیز از او می گیرد و عاطفه و مهر و محبت را در او نابود می کنـد، به گونه ای که وقتی مواد به او دیر برسـد، خوب و بـد و زشت و زیبـا برایش یکسان می شود. در این حالت حتی به خـدمت ها و تلاش های همسـرش در کانون خانواده، با بـدبینی می نگرد و پیوسـته او را سـرزنش می کند و حتی گاه خانواده اش را به باد کتک می گیرد.

فرد معتـاد آراسـتگی و شادابی خود را به دلیل اعتیاد به مواد مخـدر از دست می دهـد و تحمل این وضع برای همسـر سـخت و رنـج آور است، افزون بر اینکه در خـانه، بهـانه گیر و انتقـام جوست و بـا انتقادهـای بی جا و بـداخلاقی، همسـرش را خسـته و افسرده می کند. او که روزی مدیر خانواده بوده، با این بلای خانمان سوز، سربار خانواده و مایه شرمندگی و

۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۳۷۵.

سرافکندگی آنها شده است تا آنجا که به نظافت شخصی خود نیز نمی رسد.(۱) بدین گونه، کرامت انسانی خود را بر اثر استفاده از مواد مخدر از دست می دهد.

ب) قهر با فرزندان

اشاره

ب) قهر با فرزندان

یکی از مهم ترین و سرنوشت سازترین ارتباط های انسان، ارتباط با پدر و مادر است. همان گونه که والدین در برابر تربیت فرزندان، مسئولند، فرزندان نیز در برابر والدین خود تکالیف و وظایفی دارند. در قرآن نیز به این مسئله اشاره شده است:

و پروردگارت فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها به پیری رسیدند، کمترین اهانتی به آنها روا ندار و بر آنها بانگ مزن و سنجیده و بزرگوارانه با آنها سخن بگو و بال های تواضع خویش را در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند، رحمت خود را بر آنان قرار ده. (اسراء: ۲۳ و ۲۴)

یک ــ بی احترامی به پدر و مادر

یک ــ بی احترامی به پدر و مادر

در دین مقدس اسلام به فرزندان سفارش شده که در برخورد با پدر و مادر، ادب و احترام را رعایت کنند و در صورت سر زدن اشتباهی از آنها، ایشان را تحقیر و سرزنش نکنند؛ چراکه وجود و هستی فرزندان از آنها سرچشمه می گیرد و پدر و مادر با تمام وجود خواستار سعادت فرزندانشان هستند، در این راه ممکن است گاهی اشتباه کنند، ولی این مسئله از جایگاه آنان نمی کاهد. امام صادق(ع) در این زمینه فرموده است:

۱- نک: علی محمد عبداللهی، چه کنیم تا یک خانواده خوب داشته باشیم؟، قم، نشر روح، چ ۲، ص ۱۷۱.

«هر کس به پدر و مادرش که بر او ستم کرده اند، خشمناک نگاه کند، خداوند نمازش را هرگز نمی پذیرد».(۱)

پدر و مادر در سن کهولت، به تنهایی از پس اداره زندگی خویش برنمی آیند و به حمایت و محبت فرزندان نیاز دارند، درحالی که فرزندان آنها کودکان دیروز بوده اند که جوانان و بزرگان امروز جامعه شده اند و دیگر برای ادامه زندگی خویش نیازمند والدین نیستند. ازاین رو، ممکن است به زور بازو و مقام و موقعیت خویش فریفته شوند و با بی حوصلگی و ترش رویی، والدین را بیازارند. در آموزه های دینی و اسلامی، این رفتار نکوهش شده است و امام صادق(ع) از جمله موارد عاق شدن را نگاه تیز و خشمناک فرزند به پدر و مادر خوانده است.(۲) پیامبر گرامی اسلام نیز نگاه محبت آمیز به صورت پدر و مادر را از عبادت هایی برشمرده که در پیشگاه خداوند شایسته پاداش است.(۳)

پدر و مادر بهترین سال های عمر خود را صرف پرورش فرزندان و رفاه آنان کرده اند و حال، در برابر همه آن زحمت ها، کمترین انتظار آنان این است که فرزندانشان، آنان را گرامی دارند و برخورد نیک و شایسته با آنها داشته باشند و در هنگام اختلاف نظر، رودر روی آنان قرار نگیرند، چنان که امام سجاد(ع) فرموده است:

از جمله حقوق سالمندی این است که به خاطر پیری، ایشان را محترم بداری و به دلیل پیشرو بودن آنها در اسلام، ایشان را بزرگ بدانی. هنگام اختلاف، رودرروی آنها قرار نگیری و پیشاپیش آنها راه نروی و

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۱.

۳- تحف العقول، ص ۴۶.

به آنها نسبت نادانی ندهی و اگر مقام تو را نشناسند، آن را تحمل کنی و به خاطر اسلام، آنان را گرامی بداری.(۱)

دو ــ بی توجهی به مشکلات مالی پدر و مادر

دو ــ بی توجهی به مشکلات مالی پدر و مادر

پـدر و مـادری که دوران پیری را سپری می کننـد، به دلیـل نـاتوانی های جسـمی، دیگر توان کار کردن ندارنـد. ازاین رو، در تأمین نیازهای ابتدایی و ضروری زندگی خود با مشکل روبه رو می شوند. در این شرایط، فرزندان باید بیش از گذشته از آنها حمـایت مالی و عاطفی کننـد تا والـدین بر سال های سپری شـده عمر خویش و قـدرت و نیروی از دست رفته، افسوس و دریغ نخورنـد. در قرآن کریم نیز چنین سـفارش شـده است: «وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً؛ آدمی را سـفارش کردیم که به پـدر و مـادرش نیکی کنـد.» (عنکبوت: ۸) کمـک هـای مـالی و تـأمین نیازمنـدی های زنـدگی نیز از این نیکی ها به شـمار می آیـد. بنابراین، فرزندان باید پیش از آنکه پدر و مادر خواسته شان را بر زبان آورند، نیاز آنها را برطرف کنند.

ج) قهر با والدین

اشاره

ج) قهر با والدین

والـدین در امر تربیت و پرورش فرزندان خود، وظیفه ای سـنگین و مهم دارند که نمی توانند آن را نادیده بگیرند؛ زیرا رفتار و کردار فرزندان، بازتابی از نوع تربیت آنهاست. از طرفی شـیوه رفتار پدر و مادر با فرزند، در نوع روابط آنها با یکدیگر و روند تربیت پذیری بسیار اثرگذار است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۷.

بعضی رفتارهای والدین مانند امر و نهی های بیش از اندازه، دخالت های بی جا در زندگی فرزندان و زیاده روی در مراقبت و محبت، فرزندان را آزرده می سازد. شدت یافتن این اختلاف ها، گاه به قهر و قطع رابطه با والدین می انجامد که در آموزه های اسلامی به شدت نکوهش شده است.

در ادامه، به دو عامل که سبب کدورت می شود، اشاره می کنیم، بدان امید که والدین و فرزندان، با در نظر گرفتن حرمت و حقوق یکدیگر، مشکلاتشان را از راه گفت وگوی صمیمانه حل کنند.

یک _ محدودیت های بیش از اندازه

یک _ محدودیت های بیش از اندازه

هنگامی که فرزندان به سن نوجوانی و جوانی می رسند، از خواسته های والدین کمتر پیروی می کنند. آنها خواهان آزادی و استقلال بیشتری در رفت وآمدها و تصمیم گیری هایشان هستند و دوست دارند اطرافیان به ویژه والدین، به آنها اعتماد کنند، احترام بگذارند و برای نظرها و انتخاب هایشان ارزش قائل شوند، درحالی که والدین، آنها را هنوز کودکی می پندارند که نیازمند مراقبت است. ازاین رو، از این سرکشی و استقلال جویی سخت برآشفته می شوند و با سختگیری های بی مورد و غیرمنطقی، فرزندان را به شدت کنترل و محدود می کنند.

این امر گاه به دعوا و پرخاش و در مواردی به کتک کاری می انجامد و جوان یا نوجوان احساس می کند که دیگر در خانه جایی ندارد. به ویژه اگر اجرای محدودیت ها با زور صورت گیرد، غرور و اعتماد به نفس فرزند جریحه دار می شود و سبب ناتوانی او در فعالیت ها و تصمیم گیری های آینده اش خواهد شد. بنابراین، والدین باید با کنترل غیرمستقیم اجازه دهند فرزندانشان برخی مسائل و مشکلات را خود

تجربه کنند، راه را خود برگزینند و در پایان، خوب و بد آن را دریابند تا قدرت تشخیص و انتخاب در آنها پرورش یابد.

دو _ دخالت والدین در زندگی فرزندان

دو _ دخالت والدین در زندگی فرزندان

در برخی موارد، فرزندان ازدواج کرده اند و زندگی مستقلی دارند، ولی دخالت های نابجای والدین آرامش آنها را بر هم می زنـد. در این موارد، والدین با هدف بهتر شدن زندگی فرزندان و حل مشـکلات آنها، در تمام مسائل زندگی شان دخالت می کنند و انتظار دارند فرزندان نیز این حسن نیت آنها را درک و نظر ایشان را در اداره امور زندگی اجرا کنند.

گاهی نیز زوجی که تازه ازدواج کرده انـد، با یکـدیگر اختلاف پیـدا می کنند. دراین صورت، دخالت های بی جا و نادرسـت والـدین دو طرف در حمایت از فرزنـدانشان، بر این اختلاف ها دامن می زنـد و چه بسا سـبب جدایی و از هم پاشـیدن زندگی فرزندان شود.

ازاین رو، والدین باید بپذیرند که فرزندانشان به آن حد از رشد فکری رسـیده اند که بتوانند عاقلانه بیندیشند و تصمیم بگیرند و در انتخـاب نـوع و شـیوه زنـدگی شـان بـا هم به توافق برسـند. آنهـا فقـط می تواننـد بعضـی تجربه هـای خـود را در اختیـار فرزندانشان قرار دهند و آنان را در تصمیم گیری برای استفاده کردن یا نکردن از این تجربه ها آزاد بگذارند.

د) قهر فرزندان با یکدیگر

اشاره

د) قهر فرزندان با یکدیگر

فرزنـدان یـک خـانواده به دلیـل عوامـل ارثی و زنـدگی در محیـط مشـترک و پیونـد هـای محکم عـاطفی، گرایش بیشـتری به یکدیگر دارند. آنها به طور طبیعی، بیش از دیگران در سختی ها و مشکلات زندگی به هم یاری می رسانند و زمینه پیشرفت و موفقیت یکدیگر را هموار می کنند. چنان که پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «دو برادر همانند دو دست هستند که هر

کدام دیگری را می شوید.»(۱) یعنی همکار و یاور یکدیگر در کارها هستند، ولی گاهی مسائلی رخ می دهد که میان برادران و خواهران کدورت و جدایی می افکند و کانون خانواده را ناآرام می سازد. عواملی که می تواند به قهر میان فرزندان بینجامد عبارتند از:

یک ـ تبعیض میان فرزندان

یک ـ تبعیض میان فرزندان

انسان در هر سنی که باشد، برای خود احترام قائل است و دوست دارد دیگران نیز به ویژه اعضای خانواده اش به او احترام بگذارند. بنابراین، والدین باید توجه داشته باشند که از تحقیر و تمسخر فرزندان و به رخ کشیدن عیب ها و لغزش های آنها در حضور دیگر فرزندان بپرهیزند. مقایسه توانایی ها و استعدادهای فرزندان نیز کاری اشتباه و زمینه ساز تبعیض و بی عدالتی میان فرزندان است و فرزندانی را که در این مقایسه ها امتیاز کمتری گرفته اند، به والدین بی اعتماد می کند. همچنین، آتش حسادت و دشمنی را میان فرزندان برمی افروزد. ازاین رو، امام صادق(ع) می فرمود:

پدرم فرمود: به خدا سوگند! من گاهی با یکی از فرزندانم بیش از حد نرمی و مدارا می کنم، او را بر زانو می نشانم، با او بازی می کنم و از وی تعریف و تمجید می کنم، درحالی که می دانم حق با دیگر فرزندانم است، اما بیم آن دارم که ماجرای حضرت یوسف(ع) و آنچه برادرانش با او کردند، بر سر او نیز بیاید. درحقیقت، خداوند متعال سوره یوسف را تنها برای عبرت گرفتن نازل کرده است. برای آنکه بعضی از ما بر بعضی دیگر حسد نورزند، چنان که برادران حضرت یوسف(ع) بر او حسادت ورزیدند و ستم کردند. خداوند این حکایت را برای پیروان و شیفتگان ما رحمت و بر دشمنان آشکار ما حجت قرار داد.(۲)

۱- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

بنابراین، والدین می توانند با رفتار درست براساس آموزه ها و دستورهای اسلامی، زمینه های قهر و نزاع میان فرزندان را از بین ببرند.

دو ـ اختلاف بر سر ارث و اموال

دو ـ اختلاف بر سر ارث و اموال

اختلاف فرزندان بر سر ارث، به دلیل حرص و طمع آنهاست. انسان های حریص به حق خود قانع نیستند و می کوشند با تجاوز به حق دیگران، حتی حق خواهر و برادرشان، مال بیشتری به دست آورند. حتی ممکن است با سوءاستفاده از سادگی، ناتوانی، بی سوادی و ناآگاهی والدینشان به بهانه رسیدگی به دارایی های آنها، وکالت نامه ای از ایشان بگیرند و بی سروصدا همه اموال را به نام خود کنند که بعد از مرگ والدین، عامل کشمکش و قهر با دیگر خواهران و برادران خواهد شد.

یا از بیماری درازمدت پدر یا مادر سوءاستفاده کنند و با پرداخت هزینه های سنگین درمان آنها و تحمل مشکلات و سختی های زندگی شان، از والدین بخواهند که برای قدردانی از آنها، مال بیشتری به آنها ببخشند، با آنکه همه فرزندان در تأمین مخارج درمان پدر یا مادر کمک کرده اند و از او به این دلیل که فرصت بیشتری داشته، خواسته اند پیگیر امور درمانی باشد.

قانع بودن به حق خود و توجه به این نکته که مال دنیا ماندگار نیست و باید روزی از آن چشم پوشید، سبب می شود انسان از زیاده خواهی دست بردارد و بدین ترتیب جلوی بسیاری از اختلاف ها و قهرها گرفته می شود.

ه_) قهر با اقوام و خویشان

اشاره

ه_) قهر با اقوام و خویشان

خویشاوندان براساس پیوند ژنتیکی و عاطفی هرچند ممکن است گاهی چشم دیدن یکدیگر را نداشته باشند، اما به هنگام سختی ها و مشکلات یاور یکدیگرند، ازاین رو، بیش از دیگران برای جبران کمبودهای یکدیگر می کوشند. امیرمؤمنان، علی(ع) در این زمینه فرمود:

خویشاوندان خود را گرامی دار؛ زیرا آنها مانند بال هایی برای تو هستند که به کمک آنها می توانی پرواز کنی، مأوایی هستند که به سوی آنها بازمی گردی و دستان توانَد که به وسیله آنها، به هدف خود می رسی.(۱)

بنابراین، باید در حفظ این دست ها کوشید و بریدن از خویشاوندان، درحقیقت قطع کردن چنین دستان پرتوانی است که دور از عقل است. ازاین رو، خداوند در قرآن کریم، قطع این پیوند را به شدت نکوهش کرده است:

و آنان که پس از پیمان بستن، عهد خدا را شکستند و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن دستور داده است، از هم گسستند و در روی زمین فساد کردند، لعنت خدا و منزلگاه عذاب برای آنان است. (رعد: ۲۵)

اهمیت صله رحم و حفظ پیوند با خویشاوندان تا آنجاست که سفارش شده است، حتی با اقوامی که عقاید شما را قبول ندارند، قطع رابطه نکنید. جهم بن حمید از امام صادق(ع) پرسید: خویشاوندی دارم که عقیده و مذهب مرا قبول ندارد، با وجود این آیا او را بر من حقی است؟ امام صادق(ع) فرمود: «آری! چیزی نمی تواند حق خویشاوندی را از بین ببرد، اگر او به دین تو بود، دو حق پیدا می کرد؛ یکی خویشاوندی و دیگری حق مسلمانی».(۲) عوامل کینه و کدورت میان خویشان را می توان چنین برشمرد:

یک ـ بی توجهی به گرفتاری خویشاوندان

یک ـ بی توجهی به گرفتاری خویشاوندان

کمک به نیازمندان در صورت توانایی، از وظایف واجب هر مسلمانی است. حال اگر این فرد نیازمند از خویشاوندان فرد باشد، اهمیت کمک به او

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱.

چنـدبرابر می شود. امـام صـادق(ع) فرمود: «اگر ثروتمنـد صـله رحم کنـد و به برادران خود کمک کنـد، خداونـد پاداش او را چندبرابر قرار می دهد».(۱)

پیامبر گرامی اسلام نیز درباره پاداش چنین کمک هایی فرمود:

کسـی که خود یا مالش را در راه صـله رحم و خـدمت به خویشان به کار گیرد، خداونـد پاداش صـد شـهید به او می بخشد و برای هر قدمی که در این راه برمی دارد، چهل هزار حسنه به او می دهد و چهل هزار گناه از گناهانش پاک می کند. به همین میزان بر مقام معنوی او می افزاید و هفتاد حاجت از حاجت های دنیایی اش را برآورده می سازد.(۲)

افراد در گرفتـاری هـای مـالی یـا غیرمـالی، از نزدیکـان و بسـتگان خود بیشتر انتظـار کمـک و یـاری دارنـد و مشـکلاتی مانند ورشکستگی، عقب افتادن وام های مسکن یا تهیه جهیزیه، با کمک خویشان و به ویژه کمک خویشاوندان ثروتمند زودتر حل می شود. آنها می توانند با دادن وام هایی به صورت قرض الحسـنه چنین مشـکلاتی را در فامیل حل کنند. بعضی مشکلات نیز بـا میـانجی گری بسـتگان یـا اسـتفاده آنهـا از اعتبـار و جایگـاه اجتمـاعی شان حل می شود، اما بی توجهی های سـهوی و گاه عمدی، سبب دوری آنها از یکدیگر می شود.

دو ـ تجملات

دو ـ تجملات

عامل دیگر جدایی بسـتگان، تجمل گرایی و اقدام های بعضـی خویشاوندان توانمند در به نمایش گذاشـتن امکانات مالی خود است که سبب می شود افراد کم درآمد فامیل از روابط خود با آنها بکاهند تا به خاطر ناتوانی در این میدان، شرمنده نشوند. از سوی دیگر ارتباط با چنین بسـتگانی، هزینه هایی به زنـدگی آنها تحمیل می کنـد که با درآمـدشان ناسازگار است. ازاین رو، برای رهایی از

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱، تصحیح: بهبودی و میانجی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۳، باب ۱، ح ۳.
۲- بحارالانوار، ج ۷۶، باب ۶۷، ح ۱.

این مشـکل و در امان مانـدن از رقـابت و کشـمکش هـای خـانوادگی در زمینـه تجملات و مـدگرایی، ترجیـح می دهنـد با خویشاوندان خود قطع رابطه کنند.

۳. قهر با اجتماع

اشاره

۳. قهر با اجتماع

انسان به طور ذاتی جمع گراست و زنـدگی او ماهیتی اجتماعی دارد؛ یعنی از یک سو از خـدمات و نتیجه فعالیت های دیگران بهره منـد می شود و از سوی دیگر، آنهـا را از هنر و حرفه خود بهره منـد می سـازد. این نیازهـای مشترک اجتماعی، زمینه ساز محبت قلبی و پیونـد عـاطفی او بـا دیگران می شود و رفته رفته میان آنها انس و علاقه ایجاد می کنـد. زنـدگی در یک منطقه، آداب و رسوم یکسان یا مشابه، یکی بودن عقایـد و ارزش های دینی و علاقه ها و سـلیقه های مشترک، این پیوند را محکم تر می سازد، ولی گاهی به دلیل بعضـی عوامل، شـخص احساس می کند که از این رابطه ها، زیان می بیند که این مسـئله، ممکن است سـبب گسـست پیونـدها و دوستی هـای چنـدساله شود و به قهر و جـدایی دوسـتان، همسایگـان، همکاران و نارضایتی از مدیران و مسئولان جامعه انجامد.

الف) قهر با دوستان

اشاره

الف) قهر با دوستان

برخورد ناشایست با دوستان، نادیده گرفتن حقوق آنها و رعایت نکردن آداب دوستی، دوستان را دلگیر می سازد و تکرار این گونه لغزش ها سـبب از هم گسسـتن دوستی های دیرین می شود. اسـلام برای جلوگیری از سست شدن پیوندها، دوستان را به خویشتن داری و صبر و چشم پوشی از

اشتباه های یکدیگر فرامی خواند. حضرت علی(ع) فرمود: «زَیْنُ الْمُصاحَبِهِ الْإِحْتِمالُ؛ تحمل لغزش های دوست، زینت دوستی است».(۱)

به دوست خطاکار نیز امر می کند که پس از پی بردن به اشتباهش، بی درنگ به خطای خود اعتراف کند و از دوستش پوزش بخواهد. عذرخواهی، سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر دوستان می شود و روابط دوستانه را محکم و پایدار می کند. در این زمینه عواملی می تواند به قهر و کدورت دوستان بینجامد.

یک ـ بدگمانی

یک ـ بدگمانی

بدبینی، صفا و صمیمیت را از میان دوستان می برد، آنها را از لذت دوستی با یکدیگر محروم می سازد و از همکاری و یاری هم بازمی دارد. کسانی که به دوستی دوستانشان شک می کنند، آنها را با خود یکدل و یکرنگ نمی دانند و پیوسته گمان می کنند در گفتار و کردارشان، آن صداقت و محبت که در آغاز دوستی شان بود، دیگر وجود ندارد. این احساسات منفی، آنها را به دوستانشان بی اعتماد می کند و رفته رفته از گرمی و صفای روابطشان می کاهد.

دو ـ شوخی های بی جا

دو ـ شوخی های بی جا

عامل دیگر رنجش دوستان، شوخی های بی جا و بیش از اندازه است که گاه سبب کینه توزی می شود. امیرمؤمنان، علی(ع) درباره این مسئله هشدار می دهد و می فرماید: «شوخی، کینه ها را در پی دارد».(۲)

۱- علی اکبر بابازاده، آیین دوستی در اسلام، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳، به نقل از: غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۶.
۲- اصول کافی، ج ۷۷، ص ۲۱۵.

شوخی هایی که با توهین و تحقیر دیگران همراه است، دل دوستان را می رنجاند و کینه و کدورت به بار می آورد و زمینه ساز بسیاری از اختلاف ها می شود. حضرت علی(ع) درباره چنین شوخی هایی می فرماید: «برای هر چیزی بذری است و بذر دشمنی، مزاح است.»(۱) بنابراین، شوخی با دوستان نباید با سخنان زشت و توهین آمیز یا مسخره کردن و تحقیر آنها همراه شود. در غیر این صورت، حاصلی جز جدایی و نفرت نخواهد داشت. افزون بر آن، به تعبیر حضرت علی(ع) زشت گویی، شیوه فرومایگان است.(۲)

در دین اسلام آن مزاح و شوخی سفارش شده است که با هدف شاد کردن دل دوستان و مؤمنان صورت گیرد و یاد خدا را از دل بیرون نبرد و موجب گناه و آلوده شدن به حرام الهی نشود.

ب) قهر با همسایگان

اشاره

ب) قهر با همسایگان

رابطه با همسایگان نیز جزو روابط اجتماعی است. در تعریف همسایه آمده است: «هم دیوار، دو تن که در کنار هم خانه دارند.»(۳) و پیامبر گرامی اسلام، حد همسایگی را چهل خانه از چهار طرف خوانده است.(۴)از آداب همسایه داری آن است که اگر همسایه ای بر اسرار و مسائل خصوصی همسایه اش آگاه شد، آن را با دیگران در میان نگذارد، همان گونه که امام سجاد(ع) فرمود: «چنانچه بر عیب همسایه ات آگاه شدی، باید آن را پنهان

۱- شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۴.
۲- شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۲۷.
۳- مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، (دایره المعارف جامع اسلامی)، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹، چ ۳، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۹.

داری.»(۱) اگر چنین نکند، مصداق این مَثَل می شود که خداوند می بیند و می پوشاند و همسایه، ندیده می خروشد.

بی توجهی همسایه ها به حقوق یکدیگر، عامل از دست رفتن آسایش و زمینه ساز کدورت ها و درگیری های بعدی می شود. در اسلام، بهترین واکنش در برابر آزارهای همسایه «صبر» معرفی شده است. در غیر این صورت، باید با زبانی نرم و خوش و رویی گشاده او را متوجه اشتباهش کرد. آزردن همسایه در سخنان پیشوایان دین بسیار نکوهش شده است. امام موسی کاظم(ع) فرمود: «خوب همسایه داری کردن به آزار نرساندن نیست، بلکه آن است که بر آزار همسایه صبر کنی.»(۲) پیامبر گرامی اسلام خطاب به حضرت علی(ع) می فرماید: «همسایه بد، کمر انسان را می شکند.»(۳) و در جایی دیگر، همسایه بد را چنین معرفی می کند:

همسایه بد، همسایه ای است که چشمانش مراقب توست و دلش خواهان رسوایی تو. اگر از تو خوبی ببیند، آن را می پوشاند و فاش نمی سازد و اگر بدی ببیند، آن را آشکار و پخش می کند. اگر تو را خوشحال ببیند، ناراحت می شود و اگر تو را گرفتار و بدحال ببیند، خوشحال می شود.(۴)

ازاین روست که حضرت علی(ع) همسایه بد را بزرگ ترین رنج و سخت ترین بلاها خوانده است.(۵) پس یکی از گزینه های مهم در انتخاب محل زندگی، خوب بودن همسایه است. بنابراین، دقت کردن و اختیار داشتن در انتخاب محل زندگی، با توجه به این سفارش، انسان را از همسایه بد در امان

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۰.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۱۹.

۴- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۱۹.

۵- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۱۹.

می دارد. لقمـان حکیم نیز به پسـرش سـفارش می کنـد: پسـرم! همسـایه، پیش از خـانه و رفیق، پیش از مسافرت! فرزنـدم! اگر انتخاب خانه با اختیار و اراده کامل انجام می گرفت، هرگز کسی گرفتار همسایه بد نمی شد.(۱)

عوامل رنجش در همسایگی عبارتند از:

یک _ اشراف به حریم همسایه

یک _ اشراف به حریم همسایه

به محل زنـدگی و سـکونت هر فرد و خانواده، مسـکن هم گفته می شود؛ یعنی محل قرار و آرامش. حق قانونی و شـرعی افراد است که در محل سـکونت خویش احساس امنیت و آرامش داشته باشند. یکی از عواملی که ممکن است این آرامش را بر هم زنـد، شـیوه معمـاری ساختمـان و اشـراف آن بر ساختمـان همسایه است. چنین خانه ای از نگاه دیگران و چشم چرانی افراد بی بندوبار در امان نیست و می تواند عاملی برای اختلاف و ایجاد تنش میان همسایگان باشد.

سمره بن جنـدب، اهـل مـدینه بود و نخلسـتانی داشت. در کنـار نخلسـتان او خانه یکی از انصار قرار داشت که یکی از درخت های خرمای سمره داخل آن خانه بود. سمره گاه وبی گاه، بی خبر و سرزده وارد آن خانه می شد و سراغ درخت خرمایش می رفت و در این آمدوشـدها به داخل خانه، اوضاع داخلی خانه مرد انصاری را هم می دیـد. اعضای خانواده مرد انصاری، از این نگـاه هـا و آمـدورفت هـا در رنـج بودنـد. مرد انصاری بارها دراین باره به سـمره تـذکر داد، ولی سودی نـداشت. ازاین رو، به خدمت پیامبر آمد و از رفتار وی شکایت کرد. آن حضرت به سمره پیام داد که

۱- نک: میزرا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ه_ .ق،ج ۸، ص ۴۳.

هنگام ورود اجازه بگیرد، ولی سمره حاضر به این کار نشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد که آن درخت را با چند درخت خرما در جای دیگر عوض کند، ولی سمره این پیشنهاد را هم نپذیرفت. پیامبر بار دیگر به او فرمود از آن درخت بگذرد تا خداوند در بهشت سه درخت خرما در مقابل آن به او ببخشد، ولی سمره همچنان بر سر حرف خود ایستاده بود. سرانجام پیامبر به او فرمود: «ای سمره! تو مردی آسیب رسان هستی.» سپس به مرد انصاری رو کرد و فرمود: «برو و درخت خرمای او را از بیخ بکن و به سوی صاحبش پرت کن که در دین اسلام هیچ زیانی نیست».(۱)

دو _ ایجاد مزاحمت

دو _ ایجاد مزاحمت

در ارتباط با همسایه ها، هیچ چیز به اندازه آزار رساندن و ایجاد مزاحمت، رشته های دوستی و پیوندهای محبت را از هم نمی گسلد. روابط همسایگی به دلیل اقامت طولانی مدت همسایه ها در کنار یکدیگر و قرار گرفتن آنها در موقعیت های متفاوت در طول همسایگی شان، اهمیت ویژه ای دارد. ایجاد مزاحمت و تجاوز به حریم یکدیگر، روابط همسایه ها را تیره و تار و آنها را به یکدیگر بدبین می سازد. آزردن همسایه در دین اسلام نیز به شدت نکوهش شده است. به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: فلان زن، روزها روزه می گیرد و شب ها به نماز می ایستد و صدقه می دهد، ولی همسایه خود را نیز با زبانش می آزارد. حضرت فرمود: «لا خَیْرَ فِیها، هِیَ مِنْ أَهلِ النّارِ؛ خیری در او نیست، او اهل آتش است».(۲)

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳.

کسانی که با رفتار و گفتار ناپسند، همسایگان خود را می آزارند، زندگی را نه تنها برای آنها، بلکه برای خود نیز تلخ می کنند. همسایه آزاری شکل های گوناگونی دارد، از جمله: استفاده از بوق ماشین به جای زنگ زدن برای اعلام ورود، بلند کردن صدای رادیو و ضبط و تلویزیون تا اندازه ای که آسایش و آرامش از همسایگان گرفته شود، فرستادن فرزندان به کوچه در زمان استراحت دیگر همسایگان که سر و صدایشان آرامش و سکوت محله ای را بر هم می زند یا پارک ماشین در مقابل در خانه همسایه که او را هنگام خروج از خانه با مشکل روبه رو می کند.

ورود سرزده همسایه به خانه همسایه نیز نوعی ایجاد مزاحمت است؛ زیرا ممکن است اهل آن خانه خسته و بیمار باشند و آمادگی پذیرایی از مهمان را نداشته باشند، یا مهمانی دارند که با وجود او، نمی خواهند همسایه را ببینند یا وضع خانه نامرتب است و با ورود ناگهانی همسایه، هر کدام از اعضای خانواده ناچار می شوند شتابان وضع ظاهری خانه را سروسامان بخشند. ازاین رو، خداوند در قرآن کریم به مسلمانان چنین دستور می دهد:

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که خانه های شما نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید، این برای شما بهتر است. باشد که پند گیرید و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که این، برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید، داناست. (نور: ۲۷و۲۸)

ج) قهر با همکاران

ج) قهر با همکاران

رعایت آموزه های اخلاقی و اسلامی در محیط کار، کار کردن را دلپذیر و رضایت شغلی را فراهم می سازد و زمینه ساز شکوفایی استعدادهای فرد و اداره

شایسته امور جامعه می شود که این خود، خرسندی مردم آن جامعه را نیز در پی دارد. رعایت نکردن اخلاق شایسته اداری و عمل نکردن به آموزه های دینی در برخورد با همکاران، سبب قهر و جدایی میان آنها می شود.

عامل دیگر کدورت میان همکاران، اقدام بعضی از آنها به پاپوش دوختن و لطمه زدن به موقعیت شخصی یکدیگر، با استفاده از نقاط ضعف همدیگر است که در اصطلاح عامیانه، به زیر آب زنی معروف است. کسانی که نمی توانند به صورت منطقی مشکلات کاری خود را با همکارانشان حل کنند، برای پیشرفت خود و برطرف کردن این مشکلات، با استفاده از نقاط ضعف رقیب می کوشند، او را از سر راه بردارند. در چنین شرایطی با سخنان راست یا دروغ آنها، نقاط ضعف طرف مقابل آشکار و در میان همکاران بی اعتبار می شود که این امر، به ایجاد کینه و کدورت و سرانجام، قهر و جدایی آنها می انجامد، به ویژه زمانی که هیچ یک از طرفین اهل گذشت و چشم پوشی از خطای طرف مقابل نباشد.

این پدیده در اداره و سازمان هایی که روابط به جای ضوابط در آنها حاکم است و توانایی و استعداد کارمندان در پیشرفت کارشان، بیشتر به چشم می خورد، اثرگذار نیست؛ زیرا با این کار، زمینه برای بدگویی کارمندان از یکدیگر و تلاش برای خارج کردن هم از دورِ رقابت آماده تر است. گاهی نیز ممکن است ناظری که مدیر برای آگاهی خود از مسائل محیط کار قرار داده، با یکی از کارمندان، دشمنی شخصی داشته باشد و با استفاده از موقعیت خود، با خبرچینی و زیر آب زنی، وی را از دور خارج کند تا انتقام خویش را گرفته باشد. البته زمانی که کارمند یا مدیری قصد سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی خود را دارد، آگاه کردن افراد مسئول و شایسته نه تنها

ناپسند نیست، بلکه لازم و واجب است و سکوت کردن در این شرایط، خیانت به بیت المال مسلمانان به شمار می آید.

د) قهر مردم با مسئولان و حاکمان جامعه

اشاره

د) قهر مردم با مسئولان و حاکمان جامعه

هرگاه مردم، مدیران و مسئولان جامعه را در انجام وظایفشان ناتوان یا بی توجه ببینند، از آنها ناامید می شوند و رفته رفته از ارتباط خود با آنها می کاهند تا به طور کامل از ایشان جدا شوند. به بیان دیگر، با آنها قهر می کنند. بعضی عوامل نارضایتی و خشم مردم از مدیران و مسئولان جامعه، عبارتند از:

یک _ مدیریت ضعیف

یک _ مدیریت ضعیف

مدیریت ضعیف مسئولان در اداره بخش های مختلف جامعه، به جای کاستن از مشکلات مردم بر تعداد و شدت آنها می افزاید تا آنجا که مردم از بهبود اوضاع و برطرف شدن موانع ناامید می شوند و چون راه به جایی نمی برند، از مدیران جامعه روی گردان می شوند.

دو _ دوری کردن مدیران و مسئولان از مردم۱

دو _ دوری کردن مدیران و مسئولان از مردم(۱)

از دیگر عوامل جدایی مردم از مدیران، دوری کردن مدیران از مردم است که سبب می شود بدون آگاهی از واقعیت ها و نیازهای جامعه تصمیم بگیرند و در نتیجه شکست بخورند. این جدایی ها بدیهی است که قضاوت ها و اظهارنظرهای مدیران را نیز بی اعتبار و مردم را هم به آن مدیر و مقام مسئول بی اعتماد می سازد. در اسلام نیز رابطه نزدیک مدیر با مردم، تکلیف و حقی شرعی خوانده و به آن سفارش شده است، چنان که حضرت علی(ع) در نامه ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه، می نویسد:

۱- نک: سیدرضا تقوی دامغانی، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، صص ۲۴۸ _ ۲۵۱.

هر صبح و عصر برای رسیدگی به امور مردم بنشین و پرسش های آنان را خود، شخصاً پاسخگو باش و با این کار نادان را آگاه کن و با دانشمند به گفت وگو بپرداز و جز زبانت واسطه ای و جز چهره ات دربان و حاجبی میان خود و مردم قرار نده.(۱)

دیدار حضوری و چهره به چهره، بهترین راه ارتباطی مسئولان با مردم است تا مردم مسائل و مشکلات خود را بی واسطه با مدیران در میان گذارند. مردم باید اجازه داشته باشند، بدون هیچ مانع و مشکلی با مسئولان خود دیدار کنند. در چنین دیدارهایی، مردم با حقایق زیادی درباره زندگی و شخصیت مسئولان و مدیران جامعه خویش آشنا می شوند. همچنین، واقعیت های زیادی را نیز به آنها انتقال می دهند، مطالبی که ممکن است مدیر و مسئول از آنها آگاه نباشند یا نزدیکان و اطرافیانشان آنها را برایشان به گونه ای بیان کرده باشند تا خوشایند مدیر باشد که نتیجه این روند، ناآگاهی مدیر و مسئول و خشم و نارضایتی مردم است.

ازاین رو، پیامبر گرامی اسلام، مدیران و مسئولانی را که بین خود و مردم دیوار می کشند، نکوهش می کند و می فرماید:

مَنْ وَلّی مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِینَ شَیْئاً ثُمَّ لَمْ یَجْتَهِدْ لَهُم وَ یَنْصَحْ لَم یَدْخُلِ الْجَنَّهَ مَعَهُمْ.(۲)

کسی که مسئول کارگشایی مسلمانان است و برای حل مشکلات آنان تلاشی نکند و خیرخواه مردم نباشد، داخل بهشت نمی شود.

بنابراین، قطع ارتباط مسئولان با مردم، سبب کناره گیری مردم از آنان و از دست دادن پایگاه مردمی می شود، در نتیجه هنگام بحران ها، مردم به صحنه نمی آیند و مسئولان را تنها می گذارند.

۱- نهج البلاغه، نامه ۶۷، ص ۶۰۹.

۲- محمد بن ابی جمهور، عوالی الئالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ه_ .ق، چ ۱، ج ۱، ص ۴۵۲.

فصل سوم: عوامل و آثار قهر

اشاره

فصل سوم: عوامل و آثار قهر

نیاز انسان به برقراری رابطه با دیگران، بیش از آنکه برای برآورده ساختن نیازهای جسمی باشد، نیازی روحی و روانی است. ازاین رو، باقی ماندن در وضع قهر برای او دشوار است، به ویژه قهر با کسانی که از نظر عاطفی برای فرد اهمیت دارند، مانند: والدین، همسر، فرزندان و دوستان. بنابراین، به طور معمول پس از قهر، تمایل به آشتی و بازگشت به وضع پیشین وجود دارد، اما در مواردی ممکن است افراد چنین اشتیاقی را نشان ندهند. افرادی که در حالت قهر باقی می مانند، معمولاً کسانی هستند که قدرت بخشیدن دیگران و چشم پوشی از خطای آنها را ندارند یا به خاطر غرور و تکبر منتظرند دیگران پیش قدم شوند.(۱)

در ادامه به عواملی اشاره می کنیم که سبب طولانی شدن قهرها می شوند:

۱. عوامل قهر

اشاره

۱. عوامل قهر

زیر فصل ها

الف) ضعف ایمان

ب) ناآگاهی از پی آمدهای قهر

ج) بزرگ نمایی اختلاف ها

د) نقش اطرافیان در دامن زدن به قهر

الف) ضعف ایمان

الف) ضعف ایمان

ایمان، بر نوع نگرش و شیوه زندگی انسان ها تأثیر می گذارد. امام صادق(ع) در تعریف ایمان می فرماید: «ایمان، معرفت قلبی و اعتراف زبانی و عمل

۱- برگرفته از سایت http:// daneshnameh.Roshd.ir

به دستورهای دین است.»(۱) یکی از آموزه های اسلامی، پرهیز از قهر و جدایی است، چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

لَوْ أَنَّ رَجُلَیْنِ دَخَلا فِی الإِسْلامِ فَاهْتَجَرا، کانَ أَحَدُهُما خارِجاً مِنَ الْاِسْلامِ حَتّی یَرْجِعَ الظّالِمُ.(۲)

هرگاه دو مسلمان، از یکدیگر ببرند [با یکدیگر قهر کنند]، هر دو از اسلام خارج خواهند بود تا آنکه ستمگر [به سوی کسی که بر او ستم کرده] بازگردد.

همچنین آن حضرت در سفارشی به ابوذر فرمود:

یا أَباذَرّ، إِیّاکَ وَ هِجْرانَ لِأخِیکَ الْمُؤْمِنِ، فَإِنَّ الْعَمَلَ لا یَتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرانِ.(۳)

ای ابوذر! از قهر با برادر مؤمنت بپرهیز؛ زیرا در حالت قهر و جدایی، اعمال پذیرفته نمی شود.

انسان هایی که ایمان محکم و قوی دارند، هنگام برخورد با مشکلات و سختی های زندگی، صبر پیشه می کنند و می کوشند براساس آموزه های دینی رفتار کنند. هرچند در بعضی موارد این عمل دشوار است، اما آنها در برابر خواسته های نفس خود می ایستند؛ زیرا می دانند خدا اعمالشان را می بیند. ازاین رو، خشنودی خداوند را بر رضایت نفس خود ترجیح می دهند.

افراد سست ایمان، به وعده های تهدید و عذاب الهی با دیده تردید می نگرند. چنین افرادی، براساس منافع شخصی و مادی خود با دیگران ارتباط برقرار می کنند، به گونه ای که اگر ارتباط با فردی منافع آنها را تهدید

۱- معارف و معاریف، ج ۲، ص ۷۰۹.

۲- کنزالعمال، ج ۹، ص ۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

۳- شیخ طوسی، امالی، ص ۵۳۷.

کنـد، از او دوری می جویند و اگر رفت وآمد با شخصـی منفعتی برای آنها داشـته باشد، می کوشـند این رابطه را به هر شـکل ممکن حفظ کنند.

ب) ناآگاهی از پی آمدهای قهر

ب) ناآگاهی از پی آمدهای قهر

بیشتر افرادی که زود آشتی نمی کننـد، از پیامدهای ویرانگر رفتار خود آگاه نیسـتند. این آثار منفی، هم برای خود فرد است و هم برای نزدیکان و کسانی که با وی زندگی می کنند.

از جمله آثـار منفی قهر برای خود فرد، بـدبینی به دیگران است، به گونه ای که هرگونه تلاـش و اقـدام آنهـا را برای آشتی، به سود آنها و زیان خود می پندارد. برای مثال، تصور می کند طرف مقابل حتماً نقشه ای کشیده است که می خواهد آشتی کند.

پیامـد دیگر قهر، احسـاس تنهایی است، به گونه ای که فرد نمی دانـد به هنگام مشـکلات و گرفتاری ها دست نیاز به سوی چه کسـی دراز کنـد و از که کمک بخواهد. ازاین رو، ممکن است از سـر ناچاری به سوی دشـمنان خود و کسانی که با آنها قهر کرده کشـیده شود و این مسـئله بر بـدبینی و فاصـله میان دو طرف می افزایـد. قهر برای اطرافیان فرد نیز پی آمدهای زیان باری دارد، از جمله برای فرزندان که به دلیل قطع رابطه با اقوام و نزدیکان، آنها را نمی شناسـند و گاهی از دایی و عمه و عمو، فقط نامی شـنیده انـد، ولی هرگز آنها را ندیده اند و چه بسا افرادی که از وجود خواهرزاده و برادرزاده های خود بی خبرند و حتی اگر به طور اتفاقی یکدیگر را در خیابان ببینند، نشناسند.

قهرهای طولانی سـبب کم رنگ شـدن احساسات و عواطف می شود و این دوری ها و جـدایی ها با گـذشت زمان به اختلاف های شدید در عقاید می انجامد؛ زیرا هرچه افراد با یکدیگر بیشتر در ارتباط باشند، بر اثر بحث

و گفت وگو، با عقیده و نظر هم آشناتر می شوند و زمینه انس و نزدیکی بیشتر آنها فراهم می شود، ولی در هنگام قهر و جدایی، دوری از یکدیگر و صحبت نکردن درباره اختلاف ها، سبب می شود هریک از آنها، طرف مقابل را فردی مستبد و خودخواه بداند که فقط عقاید خودش برایش مهم است.

ج) بزرگ نمایی اختلاف ها

ج) بزرگ نمایی اختلاف ها

عامل دیگر طولانی شدن قهر و جدایی، توجه بیش از اندازه به موارد اختلاف است. افراد در زمان دلخوری و ناراحتی از یکدیگر، بیش از زمان های دیگر، به ویژگی ها، گفتار و رفتار منفی و آزاردهنده طرف مقابل توجه می کنند و در واقع در این حالت فقط نیمه خالی لیوان را می بینند، درحالی که معمولاً اشتراک ها و مشابهت های آنان بیش از تفاوت هاست، ولی آنها خوبی های طرف مقابل را نادیده می گیرند و فقط اشتباه های او را می بینند. کوچک ترین خطاها را زیر ذره بین می گذارند و بدین ترتیب، آن را بزرگ تر از خوبی هایش می بینند. این افراد پیوسته قهرها و اشتباه های خود را به بهانه های مختلف توجیه می کنند و در مقابل، ویژگی های مثبت و خوبی های طرف مقابل را بی اهمیت جلوه می دهند یا با بدبینی درباره آنها قضاوت می کنند. برای مثال، می گویند که منافع او اقتضا می کرد چنین رفتاری داشته باشد.

درحالی که شایسته آن است که با دیدی منصفانه به اختلاف ها و سوء تفاهم ها نگریست و اشتباه خود را در پدید آمدن اختلاف ها پذیرفت و با عذرخواهی، روابط خود را با دیگران گرم تر و صمیمانه تر ساخت.

د) نقش اطرافیان در دامن زدن به قهر

د) نقش اطرافیان در دامن زدن به قهر

سخن چینی اطرافیان و نقل سخنان طرفین قهر برای دیگری نیز به قهرها و جدایی ها دامن می زند. افراد سخن چین، با بدگویی و دروغ پردازی و

بازگویی سخنان تفرقه افکن، روابط میان افراد را تیره تر از قبل می کنند. آنها سخن یا رفتار دیگران را براساس برداشت خود نقل می کنند یا به گونه ای برای دیگری بازگو می کنند که وی را به طرف مقابل بدبین می سازد و در روابط آنها فتنه و آشوب به پا می کند.

ازاین رو، امیرمؤمنان، علی(ع) فرمود:

شِرارُکُمُ الْمَشّاؤُونَ بِالنَّمِیمَهِ الْمُفَرِّقُونَ بَیْنَ الْأَحِبَّهِ، الْمُبْتَغُونَ لِلْبُراءِ الْمَعایِبَ.(۱)

بدترین شما کسانی هستند که سخن چینی می کنند و بدین وسیله، میان دوستان جدایی می اندازند و برای انسان های بی گناه عیب می جویند.

سعدی نقش افراد سخن چین را در جدایی انداختن میان دوستان به زیبایی به تصویر کشیده و فرموده است:

سخن چین کند تازه جنگ قدیم

به خشم آورد نیک مرد سلیم

از آن هم نشین تا توانی گریز

که هر فتنه خفته را گفت: خیز

سیه چال و مرد اندرو بسته پای

به از فتنه از جای بردن به جای

میان دو تن جنگ چون آتش است

سخن چین بدبخت هیزم کش است(۲)

بنابراین، در حضور چنین افرادی باید بیشتر مراقب رفتار و گفتار خود بود؛ زیرا سخن چین همان گونه که سخنان دیگران را برای ما بازگو می کند، سخن ما را نیز به آنها می رساند.

۲. آثار قهر

اشاره

۲. آثار قهر

زیر فصل ها

الف) آثار فردی قهر

ب) آثار قهر بر خانواده

ج) آثار اجتماعی قهر

الف) آثار فردی قهر

اشاره

الف) آثار فردی قهر

زیر فصل ها

یک ــ ترک برخی واجبات دینی

دو ــ پذیرفته نشدن نماز

سه ــ افسردگی

چهار ــ نداشتن خودباوری

پنج ــ خارج شدن از دایره مسلمانی

شش ــ محروم شدن از آمرزش الهی

یک ــ ترک برخی واجبات دینی

یک ــ ترک برخی واجبات دینی

بعضی دستورها و آموزه های دین اسلام مانند صله رحم، گذشت از اشتباه یکدیگر و یاری رساندن به برادران دینی، در خلال روابط با

۱- سید عبدالله شبر، اخلاق، کتاب الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، هجرت، ۱۳۸۳، چ ۱۰، ص ۲۴۲.

۲- کلیات سعدی، با تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، رها، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۳۳۶.

دیگران اجراشدنی است. کسی که در حالت قهر و جدایی به سر می برد، این آموزه ها را نادیده می گیرد؛ زیرا از اشتباه های دیگران چشم نمی پوشد و هنگام سختی ها و مشکلات زندگی به یاری آنان نمی شتابد. ازاین رو، رفته این آموزه ها در زندگی اش کم رنگ می شود. ممکن است او در سخن این آموزه ها را بپذیرد، ولی در عمل آنها را نادیده می گیرد.

دو _ پذیرفته نشدن نماز

دو _ پذیرفته نشدن نماز

ادامه یافتن قهر و جدایی بیش از سه روز، سبب می شود دعا و نماز به درگاه الهی پذیرفته نشود و طرفین قهر تا هنگامی که در این حالت به سر می برند، از دین اسلام خارجند، چنان که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

ثَلاثَهٌ لا تَرتَفِعُ صَلاتُهُمْ فَوقَ رُؤُوسِهِمْ شَبْراً وَ أَخوانِ مُتَصارِمانِ.(۱)

نماز سه تن، حتی یک وجب فراتر از سرهایشان نمی رود (پذیرفته نمی شود) از جمله دو برادر (دینی) که از یکدیگر بریده اند.

سه _ افسردگی

سه _ افسردگی

افسردگی، فراگیرترین اختلال روانی است. ازاین رو، آن را سرماخوردگی شایع اختلال های روانی نامیده اند. این بیماری در کشورهای پیشرفته و صنعتی که ارتباط انسان ها کمتر است، رواج بیشتری دارد.

افراد در حالت قهر و جدایی، به دلیل از دست دادن محبت و دوستی دیگران و محروم شدن از حمایت های فامیلی و عاطفی و مالی و خدمات مشاوره ای آنها احساس تنهایی می کنند که این احساس، زمینه مناسبی برای پیدایش بیماری افسردگی در آنها پدید می آورد. دوست داشتن و دوست داشته شدن از نیازهای اساسی انسان است که در قالب رابطه های صمیمانه با اعضای خانواده، دوستان و اقوام پاسخ داده می شود،

۱- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۶۰.

در حالی که قهر و جدایی افزون بر ایجاد مانع بر سر راه پاسخ گویی به این نیازهای فطری و طبیعی، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را سست خواهد کرد و این مسئله، فشار روانی بیشتری بر فرد وارد می کند، به گونه ای که او در گردابی از آشفتگی های عاطفی و رفتاری و احساس گناه دست و پا می زند. راه پیش گیری از این بیماری این است که افراد پیوند خود را با اعضای خانواده و دوستان و خویشاوندان محکم تر کنند تا از حمایت های بیشتری برخوردار شوند.(۱)

چهار _ نداشتن خودباوری

چهار _ نداشتن خودباوری

عزت نفس و احترام به خود، از دیگر نیازهای فطری انسان است. او نیاز دارد که هم خود احساس ارزشمند بودن کند و هم دیگران او را ارزشمند بدانند. این نیاز فقط در برقراری ارتباط با دیگران برآورده می شود و نتیجه برآورده شدن آن، بهره مندی از احساس توانایی، اعتمادبه نفس و رضامندی از مقام و جایگاه خود خواهد بود. در صورت برآورده نشدن این نیاز، فرد گرفتار احساس خودکم بینی می شود، در توانایی های خود شک می کند، هنگام برخورد با مشکلات زندگی، از درک واقعیت ها ناتوان است و نمی تواند تصمیم درست و منطقی بگیرد.

برقراری روابط دوستانه و صمیمانه با دیگران که از سفارش های اسلامی است، احساس خوشایندی به فرد می بخشد و او را در ارزیابی از خود به نتیجه رضایت بخشی می رساند. در مقابل، قهر و جدایی با فاصله انداختن میان فرد و اطرافیانش، موجب ارزیابی منفی او از خود می شود و در صورت تداوم از خودباوری وی می کاهد؛ زیرا احساس می کند

۱- نک: امرالله ابراهیمی و همکاران، مقاله «بررسی رابطه صله رحم با اختلالات افسردگی»، نشریه طب و تزکیه، ش ۴۴.

دیگران به او علاقه ای ندارند و بیزاری آنها از او، به دلیل کمبودی در وجود اوست.

بنابراین، با این احساس خودکم بینی و رانده شدن از سوی اطرافیان، هنگام رویارویی با مشکلات و سختی های زندگی اعتماد به نفس لازم برای تصمیم گیری را ندارد و همواره با نگرانی و پریشانی، برای تصمیم خود پی آمدهای منفی پیش بینی می کند. در پیشامدهای ناخوشایند نیز دیگران را مقصر می داند و از همه کس و همه چیز ناراضی است و پیوسته در حال گله و شکایت از آنهاست.

پنج ــ خارج شدن از دایره مسلمانی

پنج ــ خارج شدن از دایره مسلمانی

اسلام کسانی را که با هم قهر می کنند و دل هایشان را پر از کینه و کدورت می سازند، خارج از گروه مسلمانان معرفی کرده است. پیامبر گرامی اسلام دراین باره فرموده است:

لا یَتَهاجَرُ الرَّجُلانِ قَدْ دَخَلا فِی الْإِسْلامِ إِلّا خَرَجَ أَحَدُهُمَا مِنْهُ.(۱)

دو نفر که به دین اسلام درآمده اند از یکدیگر قهر نکنند، مگر اینکه یکی از آنان از اسلام خارج شود... .

این پی آمد، بیانگر شدت زشتی این عمل است و برای آنان که ادعای مسلمانی دارند، لازم است سفارش های دین و آموزه های اسلامی را بر خواسته های خود و هواهای نفسانی ترجیح دهند.

شش ــ محروم شدن از آمرزش الهی

شش ــ محروم شدن از آمرزش الهی

از دیگر پی آمدهای قهر، دوری از آمرزش الهی است. هر کسی در زندگی خود کم و بیش مرتکب خطاهایی می شود، ولی همه چشم امید به بخشش و آمرزش الهی دارند. اعمال بندگان در آمرزش الهی

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۱۹.

اثرگذارند؛ بعضـی کارهای پسـندیده، فرد را به آمرزش الهی نزدیک تر و بعضـی کارهای ناپسـند گناهکار را از آمرزش الهی دور می سازنـد که قهر کردن بـا برادران دینی و به دل گرفتن کینه و کـدورت از آنهـا، از این جمله است. امام رضا(ع) دراین باره فرموده است:

در شب اول ماه رمضان، شیطان های سرکش به غل و زنجیر بسته می شوند و در هر شبی هفتادهزار نفر آمرزیده می شوند. در شب قـدر خداونـد به انـدازه ای که در ماه رجب و شـعبان و ماه رمضان تا آن روز [شب قـدر] آمرزیده است، می آمرزد، مگر کسـی را که میان او و برادرش دشـمنی و کینه ای باشـد. پس خداونـد عزوجل می فرماید: اینان را بگذارید تا زمانی که با هم آشتی کنند.(۱)

ب) آثار قهر بر خانواده

اشاره

ب) آثار قهر بر خانواده

زیر فصل ها

یک ــ پریشانی در بنیان خانواده

یک ــ پریشانی در بنیان خانواده

هر ازدواجی با امید به ساختن آینده ای زیبا و ایدئال صورت می گیرد. پس از گذشت مدتی از زندگی مشترک که زوجین از عیب هـا و رازهـای یکـدیگر آگـاه می شونـد، نخست با گـذشت و چشم پوشـی با این عیب ها برخورد می کننـد و اگر قهر و جدایی هم رخ دهد، زیاد به درازا نمی کشد، ولی با ادامه یافتن اختلاف ها، فاصله میان قهر با آشتی طولانی می شود و پس از کوچـک ترین بحث و گفت وگو، به قهر و حتی گـاه جـدایی و ترک خـانه می انجامـد. این قهر و جـدایی های کوتاه مـدت،

زمینه ساز اختلاف ها و قهر های بعدی است و ادامه یافتن این وضع، احساس تفاهم نداشتن و میل به جدایی را در زوجین تقویت می کند که ممکن است زندگی مشترک را به خطر اندازد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۱۹، ح ۲۱۰۹۷.

دو _ سردی در روابط و افزایش احتمال طلاق

دو _ سردی در روابط و افزایش احتمال طلاق

در خانواده ای که اختلاف و قهر بر روابط اعضای آن حاکم است، دیگر آرامش و آسایش نخواهد بود. در چنین خانواده ای، مردی که از صبح تا غروب مشکلات و سختی های کار را تحمل کرده، هنگام بازگشت به خانه، اندوه سراسر وجودش را فرامی گیرد و ترجیح می دهد چند ساعتی را در خیابان ها و کوچه های شهر یا در کنار دوستانش به سر برد تا دیرتر به خانه برگردد. حتی ممکن است چند شبی به خانه نرود. زنی هم که از همسرش دلخور و با او قهر است، سعی می کند هنگام حضور شوهر، در خانه نباشد و در صورت بالا گرفتن اختلاف ممکن است به خانه پدر و مادر خود برود.

افزایش کشمکش ها و بحث های لفظی، کاهش آشتی ها، فراموشی قول و قرارهای آغاز زندگی مشترک، عمل نکردن به وظایف خود در برابر همسر و زندگی مشترک، بی توجهی به عقاید و خواسته های همسر و تنها در پی آرمان ها و آرزوهای خود رفتن، فاصله همسران را از یکدیگر و رنجش و عصبانیت آنها را از هم بیشتر می کند تا آنجا که ممکن است از یکدیگر بیزار شوند و نفرت و خشم جای صمیمیت و گرمای روزهای نخست زندگی را بگیرد. زن با مشاهده بی توجهی همسرش به احساسات و عواطف خود، سعی می کند این نیاز را در خارج از خانه برآورده کند و شوهر نیز به غرایز خود در خارج از خانه پاسخ می دهد. تکرار و تداوم این قهر و جدایی ها درنهایت همسران را به سوی طلاق پیش می برد.

برای پیش گیری از چنین وضعی، باید پیش از آنکه آتش اختلاف و سوءتفاهم بنیان خانواده را بسوزاند، با گفت وگوهای منطقی و خیرخواهانه مسائل و مشکلات کوچک را حل کرد. در زندگی مشترک

باید کوشید که قهر و جدایی ها طولانی نشوند و هنگام اختلاف ها هرکس متوجه اشتباه خود شود، نقش خود را در ایجاد آن مشکل بپذیرد و با عذرخواهی از همسرش، از وی دلجویی کند.

سه _ مشکلات تربیتی فرزندان

سه _ مشکلات تربیتی فرزندان

قهر و جدایی های پدر و مادر بر تربیت فرزندان نیز آثار منفی و زیان باری بر جای می گذارد. آنها از والدینشان می آموزند که هنگام اختلاف نظر با خواهر و برادر یا دوستان و اطرافیانشان، به جای گفت وگو و یافتن راه حلی منطقی برای مشکلاتشان، با قهر یا خشونت و زورگویی نظر خود را به طرف مقابل بقبولانند. آنها شاید بتوانند نزدیکان خود را به پذیرش خواسته هایشان وادار کنند، ولی همیشه چنین نیست.

برای مثال، در مدرسه کسی نظریه های خودخواهانه و غیرمنطقی آنها را نخواهد پذیرفت و در کشمکش و درگیری با همسالان خود، ممکن است آنها از حق خود چشم پوشی نکنند. در چنین شرایطی اعتماد به نفس خود را از دست می دهند و وجود خود را برای دیگران بی ارزش و اطرافیان را به خود بی علاقه می پندارند. درنتیجه، خود را از جمع دوستان و همسالان جدا می کنند و گوشه گیر می شوند.

آنها در برابر نصیحت های والدین ممکن است در ظاهر مخالفتی نکنند، ولی در باطن و گاهی نیز آشکارا والدین را بازخواست می کنند که اگر قهر و جدایی بد است، چرا خودتان انجام می دهید؟ یا اگر می دانید چگونه می شود با منطق و محبت مشکلات و اختلاف ها را حل کرد که کار به قهر و دعوا نکشد، پس چرا خودتان قهر می کنید و از خانه می روید؟ گاهی والدین در برابر این پرسش ها به جای توجه به سخن منطقی فرزندشان، آن را به حساب بی ادبی او می گذارند و با تهدید و

تنبیه، وی را به سکوت وادار می کنند یا برای توجیه کار خود، همسرشان را مقصر جلوه می دهند.

به این ترتیب، والـدین نقش الگویی خود را از دست می دهند و دیگر الگوی آرمانی فرزندشان نیستند. در این شرایط ممکن است فرزنـد الگوی خود را در خارج از خانه بجویـد و الگوهایی را برگزیند که زیان بارتر باشـند، ولی به دلیل بی اعتمادی به والدین، به آنها پناه می برد و به سخنان و نصیحت های دل سوزانه پدر و مادر توجهی نمی کنند.

اگر اختلاف ها و قهرهای والـدین به جـدایی و طلاق بینجامـد و آنها دلیل مشـکلات خود را به فرزندان نسبت دهند، فرزندان دچار احساس گناه می شوند و همواره خود را سرزنش می کنند و خود را مقصر اصلی می دانند. آنها رفته رفته سلامت روانی شـان را از دست می دهنـد و به گوشه گیری و کم رویی دچـار می شونـد. بنابراین، والـدین بایـد از مطرح کردن مشـکلات و اختلاف های خود در نزد فرزنـدانشان بپرهیزنـد و اگر با یکـدیگر قهر هم هسـتند، در حضور فرزنـدان به گونه ای با یکـدیگر برخورد کننـد که آنهـا متوجه نشونـد و سـعی نکننـد با بیان اشـتباه ها و عیب های همسـر خود نزد آنها، حمایتشان را به دسـت آورند.

چهار ــ فرار فرزندان از خانه

چهار ــ فرار فرزندان از خانه

در خـانواده هـایی که کشـمکش و قهر و روابـط سـرد و خشـک بر آنهـا حـاکم است، معمولاً پـدر و مادر به انـدازه ای درگیر اختلاف های خود یا غرق در مسائل و مشـکلات کاری شان هسـتند که از فرزنـدانشان غافل می شونـد و فرزندان آسـیب های جبران ناپـذیری می بینند. پدر و مادر بر اثر دعواها و درگیری های همیشـگی و تحقیر و سـرزنش یکدیگر، جایگاه والای خود را در خانواده از دست می دهند و فرزندان با مشاهده ناتوانی آنها در حل

کردن مشکلاتشان، دیگر نصیحت ها و راهنمایی های آنان را نمی پذیرند، بلکه مسائلشان را با دوستان خود در میان می گذارند و از آنها کمک می خواهند و راه نجات را در خارج از خانه می جویند تا شرایط خود را بهتر کنند.

در چنین شرایطی، گاه در دام سودجویان گرفتار می شوند که با چرب زبانی و چاپلوسی و دادن وعده های واهی آنها را می فریبند، به ویژه دختران که به خاطر نیاز بیشتر به محبت، زودتر گرفتار چنین دام هایی می شوند و حتی اگر متوجه اشتباه خود شوند، روی بازگشت به خانه را ندارند. ازاین رو، در گروه های بزهکار و فاسد باقی می مانند و تا نابودی کامل پیش می روند.(۱)

پنج ــ روی آوردن به کارهای خلاف

پنج ــ روی آوردن به کارهای خلاف

اثر دیگر قهر و جدایی بر خانواده، گرایش اعضای خانواده به کارهای خلاف و جرم هایی چون بزهکاری، اعتیاد، پرخاشگری و درگیری های اجتماعی است. درحقیقت، آنها با دست زدن به چنین کارهایی می خواهند، مشکلات خود را فراموش و کمبود عاطفی را که از آن رنج می برند، این گونه پر کنند. گاهی نیز با انگیزه انتقام گرفتن از کسانی که آنها را عامل اصلی بدبختی های خود می دانند و برای فرونشاندن آتش خشم و کینه خود، به خلاف رو می آورند. در خانواده هایی که زن و شوهر پیوسته در حال دعوا و کشمکشند، هر یک از آنها برای برآورده ساختن نیازهایی که در خانه پاسخ داده نشده است، به خارج از خانه رو می آورند و بر ناهنجاری های جامعه دامن می زنند. آنها دیگر اشتیاقی به با هم بودن ندارند و هر کدام در شب نشینی با دوستان خود می کوشند، اوقاتشان را سپری کنند.

۱- نک: هوشنگ شامبیاتی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، مؤسسه انتشاراتی ویستار، ۱۳۷۳، چ ۴، ص ۱۹۸.

فرزندان این خانواده ها نیز احساس بی کسی و بی پناهی می کنند؛ زیرا کسی را در خانه منتظر خود نمی بینند که رفت وآمد آنها را کنترل کند و در مشکلات راهنما و سنگ صبورشان باشد. ازاین رو، به دوستان خود پناه می برند و چون تجربه و آگاهی درست و کافی برای حضور در اجتماع ندارند، ممکن است گرفتار دوستان بی بندوبار شوند و توسط آنها به گروه های خلاف بپیوندند. دزدی، تجاوز به حقوق دیگران، انحراف های اخلاقی، قتل، جنایت و درنهایت اقدام به خودکشی، از جمله آسیب هایی است که ممکن است گریبان گیر آنها شود.

ج) آثار اجتماعی قهر

اشاره

ج) آثار اجتماعی قهر

زیر فصل ها

یک _ از هم گسیختگی جامعه

یک _ از هم گسیختگی جامعه

در مکتب اسلام، سرنوشت فرد و جامعه به هم پیوسته است و هریک بر دیگری اثرگذارند. ازاین رو، اختلاف و جدایی افراد جامعه و دشمنی و کینه توزی آنها با یکدیگر، بنیان جامعه اسلامی را سست می کند و چنددستگی و جناح بندی میان مردم گسترش می یابد. هر گروه و دسته برای پیشبرد هدف های خود و بیرون راندن حریف از میدان، دیگری را متهم و برای ضعیف ساختن وی تلاش می کند. آنها چنان سرگرم اختلاف های خود می شوند که توطئه های دشمن را فراموش می کنند. ادامه این روند، تهدیدی برای اقتدار و عزت جامعه است و طمع دشمنان و استعمارگران را برمی انگیزد. به فرموده مقام معظم رهبری: «پشت سر همه اختلافات؛ یا خودخواهی ها و جاه طلبی ها و منیت های ماست و یا شیطان های خارجی؛ یعنی دست های دشمن و استکبار قدرت های ظالم و ستمگر».(۱)

۱- سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹/۹/۱۳۶۸.

تفرقه و اختلاف از عوامل مهم فروپاشی جامعه و نظام اجتماعی است. ازاین رو، اسلام، مسلمانان را به یک پارچگی و پرهیز از قهر و جدایی سفارش کرده است:

وَ أَطیعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ وَ اصْبِرُوا إِنّ اللّهَ مَعَ الصّابِرینَ. (انفال: ۴۶)

و از خـدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نجنگید که سـست شوید و مهابت شـما از بین برود و صبر کنید که خدا با شـکیبایان است.

بهترین راه برای درک بهتر پی آمدهای ناگوار اختلاف و تفرقه، مطالعه تاریخ اختلاف های گذشـتگان و آگاهی از سرنوشـت دردناک آنهاست:

از حال فرزندان اسـماعیل و فرزندان اسـحاق و فرزندان یعقوب عبرت گیرید... در حالت پراکندگی آنها دقت کنید، زمانی که کسـراها و قیصـرها مالک آنها بودند، سرانجام آنها را از سرزمین های آباد، از کناره های دجله و فرات و از محیط های سرسبز و خرم دور کردند و به صـحراهای کم گیاه و بی آب و علف، محل وزش بادها و سرزمین هایی که زندگی در آنجاها مشکل بود، تبعید کردند، آنان را در مکان های نامناسب، مسـکین و فقیر و هم نشین شتران ساختند... نه دعوت حقی وجود داشت که به آن روی آورنـد و پناهنـده شونـد و نه سـایه محبـتی وجود داشت که در عزت آن زنـدگی کننـد. حالاـت آنـان دگرگون و قدرت آنان پراکنده و جمعیت انبوهشان متفرق بود.(۱)

دو _ تفرقه؛ عامل نابودی سرمایه های کشور

دو _ تفرقه؛ عامل نابودی سرمایه های کشور

در سـایه اتحـاد و هم بسـتگی مردم جـامعه، تولیـد و دست یابی به بزرگ ترین فن آوری های سودمنـد علمی امکان پـذیر می شود، در حـالی که اختلاف و تفرقه به نابودی اسـتعدادها و تضـعیف توانمنـدی ها می انجامـد و درنتیجه، جامعه از پیشـرفت و دستیابی به دانش روز بازمی ماند. رهبر معظم انقلاب

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۵.

نیز هرگونه اختلاف و تشنج آفرینی را نابودکننده امکانات کشور می داند و می فرماید:

اختلاف و تشنج، توان و امکانات کشور را به سوی بیر اهه سوق می دهد و صرف قدرت طلبی و بیرون کردن حریف از میدان می کند و البته به این مقدار بسنده نمی شود، بلکه جناح ها و احزاب و جمعیت ها در کشاکش کسب قدرت و انزوای حریف، دست به سوی بیگانه دراز می کنند و منافع و مصالح ملت و انقلاب را فدای همآوردی و سابقه قدرت می نمایند.(۱)

بنابراین، اختلاف و دعوای افراد و گروه ها، نیرو و امکانات جامعه را هـدر می دهـد و چنین جامعه ای هیـچ گاه به آرمان ها و برنامه های خود دست نخواهد یافت. ازاین رو، همکاری و هماهنگی مدیران و مسئولان جامعه اسلامی لازم و ضروری است؛ زیرا در آرامش، بهتر می توان انجام وظیفه کرد. امام حسن مجتبی(ع) نیز همکاری گروهی را سبب پیشرفت کارها دانسته و فرموده است:

إِنَّهُ لَمْ یَجْتَمِعْ قَوْمٌ قَطُّ علی أَمْرٍ واحِدٍ إِلَّا اشْتَدَّ أَمْرُهُمْ وَاسْتَحْکَمَتْ عُقْدَتُهُم.(۲)

هیچ گروهی در کاری متحد نشدند، مگر آنکه کارشان استحکام یافت و پیوندشان استوار شد.

۱- سید حسین اسحاقی، نسیم هم بستگی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶، چ ۱، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.
۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۴۴، ح ۴۸۲۵.

فصل چهارم: اهمیت اصلاح ذات البین و راه های رسیدن به آشتی

اشاره

فصل چهارم: اهمیت اصلاح ذات البین و راه های رسیدن به آشتی

اصلاح ذات البین به معنای اصلاح ارتباط ها و تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن اسباب تفرقه و جدایی است.(۱) هر گروه و جامعه، عظمت و قدرت خود را در سایه تفاهم و همکاری اعضایش به دست می آورد. در صورت حل نشدن اختلاف ها و ادامه یافتن مشاجره ها بذر دشمنی رفته رفته در دل ها ریشه می دواند و سبب از هم پاشیدگی گروه یا جامعه می شود. به دلیل پی آمدهای زیان بار فردی و اجتماعی که بر اثر سست شدن روابط انسان ها شکل می گیرند، در آموزه های دینی بر تلاش برای ایجاد الفت و آشتی تأکید شده است. خداوند در قرآن کریم به اصلاح و آشتی دادن میان همسران دستور داده و فرموده:

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَيْنِهِما فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِها إِنْ يُريداً إِصْلاحًا. (نساء: ۳۵)

و اگر از جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم دارید، پس داوری را از خانواده شوهر و داوری را از خانواده زن تعیین کنید؛ اگر سرِ سازگاری دارند.

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید:

إِنّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ... . (حجرات: ۱۰)

درحقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان سازش دهید (و میان آنها آشتی برقرار نمایید).

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۸۳.

ازاین رو، اصلاح ذات البین را از نظر شرعی واجب و حتی استفاده از امکانات بیت المال را برای چنین امری روا دانسته اند.(۱)

بنابراین، اصلاح ذات البین یا به تفاهم رساندن افراد و گروه ها و زدودن کدورت ها و تبدیل آن به دوستی، از مهم ترین برنامه های اسلام است و شایسته آن است که کسانی که در جامعه یا در جمع بستگان و دوستان جایگاهی ویژه دارند، برای اصلاح روابط افراد و آشتی دادن آنها بکوشند و این مقام و موقعیت را موهبتی الهی بدانند و از آن برای خدمت رسانی به خلق خدا بهره گیرند. امام صادق(ع) فرموده است: «میانجی گری، زکات مقام [و موقعیت] است».(۲) شهید بهشتی رحمه الله درباره حاج شیخ ابراهیم نجف آبادی، یکی از عالمان پرتلاش نجف آباد، نوشته است:

از ویژگی های ایشان، مردمی بودنش بود. دوستان نجف آبادی من نقل می کردند که حاج شیخ همیشه در خدمت مردم آماده است. گاهی اتفاق می افتاد که زن و شوهری نیمه شب با هم دعوا می کردند و همه اهل منزل حریف آنان نمی شدند. بالأخره یک نفر در ساعت دو بعد از نیمه شب در منزل حاج شیخ می آمد و ایشان از خواب برمی خاست و نمی گفت: «صبر کنید تا هوا روشن شود، بعد می رویم»، بلکه بی درنگ لباس می پوشید و روانه می شد. با رویی گشاده و خندان وارد منزل می شد و می گفت: «فعلاً چای درست کنید تا ببینم چه شده است.» آن گاه پای سماور می نشست. یک چای خودش می خورد و یک چای به آنها می ریخت و زن و شوهر را با هم آشتی می داد، آتش اختلاف و دعوای آنها را فرو می نشاند و آن گاه برمی خاست و به خانه اش می رفت.(۳)

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۸۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۸۱.

۳- رضا مختاری، سیمای فرزانگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸.

در اهمیت اصلاح ذات البین همین بس که هرچند دروغ در اسلام صفتی ناپسند است، بااین حال برای اصلاح اختلاف ها، استفاده از آن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه پیشنهاد نیز شده است، چنان که پیامبر گرامی اسلام به حضرت علی(ع) فرمود:

یا عَلِیُّ! إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَحَبَّ الْکَذِبَ فی الصَّلاحِ وَ أَبْغَضَ الصِّدْقَ فِی الْفَسادِ.(۱)

ای علی! همانا خداوند دروغ صلح آمیز را بیشتر دوست دارد و از راست فتنه انگیز بیزار است.

خداوند نیز در قرآن کسانی را که سوگند می خورند تا برای میانجی گری و آشتی پیش قدم نشوند، از این تصمیم بازداشته و چنین سوگندهایی را مردود دانسته و فرموده است: «خداوند را دست آویز سوگندهای خود قرار مدهید تا [با این بهانه] از نیکی کردن و پرهیزکار بودن و اصلاح میان مردم بپرهیزید که خدا شنوای داناست». (بقره: ۲۲۴)

در تفسیر این آیه آمده است: روزی میان داماد و دختر یکی از یاران پیامبر به نام عبدالله بن رواحه اختلافی پیش آمد و او سوگند یاد کرد که برای سازش و اصلاح میان آنها و برطرف کردن اختلافشان اقدامی نکند. پس این آیه نازل شد و مسلمانان را از این گونه سوگندها بازداشت.(۲)

۱. آثار آشتی و دوستی

اشاره

۱. آثار آشتی و دوستی

زیر فصل ها

الف) حفظ و تقویت سلامت روان

ب) توفیق در کارها

ج) کاهش جرم و جنایت

الف) حفظ و تقویت سلامت روان

الف) حفظ و تقویت سلامت روان

یکی از نشانه های سلامت روان، داشتن روابط اجتماعی است. وجود روابط گرم و صمیمی با خویشاوندان و نزدیکان، عامل مهمی در ایجاد اعتماد و آسایش خاطر است. احساس وابستگی به یک جمع مانند

۱- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالضواء، ۱۴۰۵ هـ. ق، چ ۶، ج ۴، ص ۲۵۵.
۲- نک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴۵.

خانواده یا گروه دوستان، سبب تحکیم روابط می شود و افراد را به دور از سودهای شخصی و فقط به خاطر احساس وظیفه در برابر یکدیگر و نیز حفظ پیوند خود با دیگران، به تلاش برای حل کردن مشکلات یکدیگر وامی دارد. این ارتباط های صمیمانه به ویژه با خانواده و بستگان، به انسان امنیت خاطر می بخشد و او را به پشتیبانی های آنها هنگام رویارویی با حوادث و سختی های روزگار دلگرم می سازد؛ حتی اگر جز گوش دادن به درد دل های او، کاری از دستشان برنیاید.

ازاین رو، در آموزه های اسلامی به برقراری و حفظ این روابط، در قالب های مختلفی چون صله رحم، هم نشینی با دوستان و نزدیکان و نیز اصلاح روابط با دیگران سفارش شده است. براساس پژوهش های علمی، افرادی که روابط پایدارتری با دیگران دارند، کمتر به بیماری های روانی و جسمانی دچار می شوند و احتمال دچار شدن به این بیماری ها در افراد گوشه گیر بیشتر است. روابط اجتماعی و هم نشینی های سالم با دیگران، همانند سپری، از انسان در برابر سختی های زندگی دفاع می کند و او در سایه چنین پناهگاه امنی راحت تر با گرفتاری ها و دشواری های زندگی کنار می آید.

ب) توفیق در کارها

ب) توفیق در کارها

آشتی و روابط صمیمانه با دیگران، دل ها را به هم نزدیک می کند و بر میزان همکاری ها و هماهنگی ها می افزاید. درنتیجه، کارها با نظم خاصی پیش می رود و برای مشکلات موجود بر سر راه اجرای طرح ها یا برنامه ها، با مشورت و هم فکری افراد راه حلی پیدا می شود و هر مانعی با ارزش های اخلاقی چون همکاری، برادری و گذشت از سر راه کنار

می رود. این ارزش ها تنها در صحنه های همکاری و مشارکت اجتماعی جلوه گر می شود، مانند ایستادگی مردم کشورمان برای حفظ سرزمین اسلامی در دوران هشت سال دفاع مقدس یا کوشش آنها برای سازندگی و پیشرفت کشور است. یکی از زیباترین نمودهای اخیر آن نیز دستیابی به چرخه سوخت هسته ای و مقاومت مردم از هر گروه و طبقه و به دور از منافع حزبی و گروهی در برابر فشارهای دشمنان داخلی و خارجی بود که در تمام این زمینه ها کامیابی از آنِ مردم بود.

با توجه به اهمیت هم بستگی مردم و هماهنگی و همکاری هدفمند و جهت دار آنها برای پیشرفت و توسعه کشور، مدیران و مسئولان کشور باید برای تقویت زمینه های همدلی و تفاهم در جامعه بکوشند.

ج) کاهش جرم و جنایت

ج) کاهش جرم و جنایت

یکی از عوامل کاهش بزهکاری و جرم در جامعه روابط گرم و دوستانه میان افراد است؛ زیرا به طور معمول خانواده های نابسامان که اعضای آن روابط خوبی با هم ندارند، افرادی خطاکار و مجرم تحویل جامعه می دهند. برای مثال، نوجوانی که والدین او به دلیل اختلاف، از یکدیگر جدا شده اند و مادر در خانه پدری خود و پدر در محل کار به سر می برد، دیگر کسی ساعت های ورود و خروج او و دوستان وی را کنترل نمی کند. از سویی دیگر، کسی در خانه نیست تا با او درددل کند و مشکلاتش را در میان بگذارد. ازاین رو، به دوستانش پناه می برد و چون در انتخاب دوست نیز تجربه کافی ندارد، ممکن است گرفتار دوستان ناباب شود و در دام اعتیاد و کارهای خلاف افتد، درحالی که اگر اعضای خانواده در کنار هم باشند و میان آنها روابط عاطفی

محکم و گرمی برقرار باشد، فرزندان آرامش خاطر دارند که هنگام سختی ها و گرفتاری ها پناهگاهی چون خانه دارند و می توانند هر مشکلی را با پدر یا مادر خود در میان گذارند و از راهنمایی های دلسوزانه آنها استفاده کنند.

۲. راهکار های رسیدن به آشتی

اشاره

۲. راهکار های رسیدن به آشتی

زیر فصل ها

الف) پیروی از آموزه های دینی

ب) توجه به حقوق یکدیگر

ج) خوش بینی

د) تغافل

ه_) پرهیز از سخنان زشت

و) بردباری

ز) پوزش طلبی

ح) ایجاد فضای مناسب برای گفت وگو

ط) تأکید بر نقاط مشترک

ی) عبرت گرفتن از حوادث و زندگی دیگران

الف) پیروی از آموزه های دینی

الف) پیروی از آموزه های دینی

دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین، برنامه ای دقیق و جامع و آموزه هایی راه گشا و عملی برای بهبود روابط انسان ها دارد. یکی از مهم ترین سفارش های این دین به مسلمانان، پایبندی به صله رحم و دیدار دوستان و خویشان است.

حتی با قوم و خویشی که قطع رابطه کرده است، باید این پیوند را حفظ کرد که این تأکید، نشان از اهمیت موضوع صله رحم دارد، چنان که امام سجاد(ع) این عمل را هم سنگ جهاد دانسته و فرموده است:

هیچ گامی نزد خداوند متعال، محبوب تر از دو گام نیست: یکی گامی که مؤمن با آن در راه خدا صف [جنگ] می بندد و دیگری گامی که برای پیوند با خویشاوندی که قطع رحم کرده است، برداشته می شود.(۱)

از دیگر آموزه های دینی برای حفظ صفا و صمیمیت پیوندهای دوستانه، سفارش به گذشت و چشم پوشی از اشتباه های اطرافیان و نیز پوزش خواهی از آنها به خاطر اشتباه خویش است. عمل به این سفارش ها، به فرد آرامش خاطر می بخشد که بزرگ ترین لذت های زمینی در برابر آن رنگ می بازد و تمام نگرانی ها از بین می رود. فرد از این

۱- علی بن بابویه (شیخ صدوق)، خصال، تهران، جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۵.

پیوندها نیرویی تازه می یابد و با تکیه بر آن و یاری دوستان و نزدیکان می تواند بر گرفتاری ها چیره شود.

هر مسلمانی با عمل به این آموزه های اسلامی، حتی کوچک ترین حقوق اطرافیانش را رعایت می کند و حرمت قانون الهی را نگه می دارد و درنتیجه، روابط سالم و سازنده افراد حفظ می شود. ازاین رو، هنگام پیش آمدن اختلاف ها و سوء تفاهم ها، باید براساس آموزه های دینی و اسلامی عمل کرد که با این روش، افزون بر حل آسان مشکلات، زمینه های دلخوری نیز کمتر خواهد شد، چنان که در قرآن آمده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به رشته دین چنگ زنید و به راه های متفرق نروید». (آل عمران: ۱۰۳)

ب) توجه به حقوق یکدیگر

ب) توجه به حقوق یکدیگر

عامل بسیاری از اختلاف ها و درگیری ها، ناآگاهی از حقوق یکدیگر یا به رسمیت نشناختن آنها به دلیل سودجویی های شخصی است. ازاین رو، دین اسلام در آموزه های خود حدود تکالیف و حقوق مسلمانان را مشخص کرده است تا در اجتماع، حقوق و تکالیف خود را در برابر یکدیگر و در برابر جامعه بدانند و خواسته های نابجا نداشته باشند و به این ترتیب، حس مسئولیت پذیری را نیز در آنها نهادینه کرده است. در نگاه ارزشی اسلام به انسان و روابط او، این وظایف و تکالیف در کنار افزودن بر صفا و صمیمیت میان مسلمانان، آنها را به سوی کمال و سعادت نیز هدایت می کند. درواقع در آموزه های اسلام، اخلاق و حقوق مسلمانان آن چنان در هم تنیده است که مرزی میان آنها نیست؛ یعنی آموزه های اسلامی که مسلمانان وظیفه دارند آنها را رعایت کنند، هم جنبه اخلاقی و ارزشی دارد و هم جنبه حقوقی.

در بسیاری از مواقع، کوتاهی در انجام وظیفه به دلیل نشناختن حق و وظیفه است و در صورت آگاهی از آن، تا حدودی از کوتاهی ها و اشتباه ها کاسته می شود. پس هر فردی در گروه یا جامعه وظیفه ای بر عهده دارد که نخست باید آن را بشناسد و سپس باید بدان عمل کند، مثل حقوقی که دوستان و همکاران یا همسران در قبال یکدیگر دارند.

گاهی پیدایش اختلاف، در نامشخص بودن حد و مرز تکالیف و وظایف افراد ریشه دارد. کار را بر عهده دیگری نهادن یا انتظار انجام دادن کار، از کسانی که از نظر شرع و قانون انجام آن بر عهده آنها نیست، توقعی نابجا و غیرمنطقی است که سبب ایجاد اختلاف و دشمنی می شود.

نکته مهم، پذیرش و رعایت این حقوق از سوی دو طرف است. این حقوق در کتاب های اخلاقی ـ تربیتی، مشروح بیان شده است که علاقه مندان می توانند به این کتاب ها مراجعه کنند. آگاهی اعضای جامعه از حقوق و تکالیف خود در برابر دیگران و عمل کردن به آن، از اختلاف ها و درگیری ها می کاهد و بر انسجام و هم بستگی و همکاری در سطح جامعه می افزاید و روابط افراد نیز گرم تر و صمیمی تر از گذشته ادامه می یابد.

ج) خوش بینی

ج) خوش بینی

درک و توجیه خوش بینانه رفتار دیگران، سبب آسایش فکر و اطمینان خاطر انسان می شود. برای این منظور باید از دید طرف مقابل، به مسائل نگریست تا رفتار او را بتوان توجیه کرد. جلب دوستی مردم و پیدایش صفا و صمیمیت و الفت بیشتر با اطرافیان، از ثمره های شیرین این شیوه

برخورد است. حضرت علی(ع) نیز در سفارش به این اخلاق فرمود: «مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالنّاسِ حازَ مِنْهُمُ الْمَحَبَّهَ؛ هر کس به مردم خوش بین باشد، محبت و دوستی آنها را پاداش می گیرد».(۱)

آن حضرت به یاران خود سفارش می کرد، با خوش بینی با دیگران برخورد کنند و در صورت گمان نیک بردن دیگران به آنها، با رفتاری زشت و ناشایست آن گمان نیک را به بدبینی تبدیل نکنند و در کلامی دیگر فرمود:

مَنْ کَذَّبَ سُوءَ الظَّنَّ بِأَخِیهِ کانَ ذَا عَقْدٍ صَحِیحٍ وَ قَلْبٍ مُسْتَرِیحٍ.(۲)

هرکس بدبینی خود به برادر (دینی اش) را رد کند و به آن ترتیب اثر ندهد، صاحب عقلی نیرومند و سالم و دلی آسوده است.

از سوی دیگر برای محکم کردن پیوندهای خانوادگی و دوام روابط دوستانه، باید افزون بر خوش بینی و توجه به خوبی های طرف مقابل که اعتماد و اطمینان لازم در چنین روابطی را ایجاد می کند، از هر رفتاری که سبب بدگمانی می شود، دوری کرد. گاه یک خنده بی جا یا یک شوخی نامناسب، بذر شک و بدبینی را در دل طرف مقابل می کارد. مسلمان واقعی باید در صورت دیدن چنین رفتارهای شک برانگیز نزدیکان و اطرافیان، آنها را با منطق و دلیل و درک شرایط و در نهایت با خوش گمانی، برای خودش توجیه و خود نیز از چنین رفتار هایی دوری کند. حضرت علی(ع) در توصیه ای به دوستان و شیعیانش فرمود:

اگر برادر دینی تو کار نادرستی انجام داد، برای آن عذر بتراش و اگر نتوانستی بهانه ای بیاوری، بکوش از جانب خود، انجام دادن آن عمل را به گونه ای توجیه کنی و خویش را از بدگمانی برکنار داری.(۳)

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۵۵۹، ح ۸۸۴۲.

۲- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۵۳۳، ح ۸۷۱۲.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱۰.

د) تغافل

د) تغافل

تغافل، به معنـای چشم پوشـی از اشـتباه دیگران و خود را بی خبر نشـان دادن از آنها، جزو پسـندیده ترین خلق ها و از ویژگی های مسـلمان مؤمن است. با این روش، احتمال اصـلاح رفتار خطاکار بیشتر و از اختلاف ها و کشمکش های بیهوده جلوگیری می شود. امام صادق(ع) درباره تغافل فرموده است:

صَلاحُ حالِ التَّعایُشِ وَ التَّعاشُرِ مِلْءُ مِكْیالٍ ثُلُثاهُ فِطْنَهُ وَ ثُلُثُهُ تَغافُلٌ.(۱)

زندگی سالم و هم نشینی با مردم، پیمانه پُری است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن تغافل است.

این روایت ضـمن تأکیـد بر تغافل مثبت، انسان را از تغافل منفی بازمی دارد. گاه تصور می شود که تغافل؛ به معنی خود را بی توجه نشان دادن و به گونه ای، تشویق خطاکار به تکرار اشـتباه است، درحالی که اگر فردی از سرِ ناآگاهی اشـتباهی مرتکب شد، تغافل در برابر اشتباه او جایی ندارد، بلکه باید او را بر اشتباهش آگاه کرد. ازاین رو، در این حدیث، نخست به هشیاری و ترک غفلت سـفارش و به خـاطر اهمیت و نقش اثرگـذار آن در زنـدگی، سـهم آن دو سوم قرار داده شـده است که نشان می دهد، غفلت یا تغافل در مسائل مهم و سرنوشت ساز روا نیست، بلکه تنها در مورد مسائل کوچک تر و کم اهمیت تر، می توان با تغافل برخورد کرد.

حضرت علی(ع) می فرماید:

عَظِّمُوا أَقْـدارَكُم بِالتَّغافُـلِ عَنِ الـدَّنِیِّ مِنَ الْاُمُورِ و... وَ لا تَكُونُوا بَحّاثِینَ عَمّا غابَ عَنْكُم فَیَكْثُرَ عائِبُكُمْ و... وَ تَكَرَّمُوا بِالتَّعامِی عَنِ الْإِسْتِقْصاءِ.(۲)

۱- تحف العقول، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۲۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ح ۱۵۷.

مقام خود را با تغافل در امور پست بالا ببرید و درباره مسائل پنهان، تجسس نکنید که عیب جویان شما زیادتر می شوند و با چشم پوشی از دقت بیش از اندازه در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید.

تغافل سبب می شود انسان در برخورد با اشتباه اطرافیان و نزدیکان، حسابگرانه عمل نکند، بلکه با چشم پوشی رفتاری کریمانه در پیش گیرد و فرصتی دوباره برای جبران اشتباه به خطاکار بدهد که این شیوه برخورد، از تنش و تشویش های بیشتر جلوگیری می کند. افزون بر آن، سبب می شود انسان از رفتارهای نادرست دیگران، کمتر برنجد و ناراحتی کمتری تحمل کند و این گونه با مشکلات زندگی نیز راحت تر روبه رو می شود. درغیراین صورت، با مشاهده کوچک ترین اشتباهی، خشم، سراسر وجودش را فرامی گیرد و با یادآوری آن اشتباه، مسئله از آنچه هست بزرگ تر برایش جلوه می کند و آتش خشم و کینه و انتقام در وجودش شعله ور می شود. ازاین رو، حضرت علی(ع) فرمود:

مَنْ لَمْ یَتَغافَلْ وَ لا یَغُضَّ عَنْ کَثِیرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عِیشَتُهُ.(۱)

کسی که تغافل نکند و از بسیاری از امور چشم نپوشد، زندگانی اش تیره و تار خواهد شد.

ه_) پرهیز از سخنان زشت

ه_) پرهیز از سخنان زشت

ناسزاگویی از آفت های زبان است که افزون بر نازیبا کردن کلام، گوینده را نیز از مقام والای انسانی، پایین می کشد. هنگامی که انسان می تواند با دلیل و منطق با دیگران گفت وگو کند، چه دلیلی دارد که زبان به ناسزا بگشاید. قرآن درباره پرهیز از ناسزاگویی می فرماید:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۶۳۵، ح ۹۱۴۹.

وَ لا تَسُبّوا الّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ فَیَسُبّوا اللّهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ. (انعام: ۱۰۸)

و به آنها که جز خدا را می خوانند، دشنام مدهید تا آنان نیز از روی دشمنی و به نادانی، خدا را دشنام ندهند.

وقتی به سفارش قرآن، مسلمانان نباید حتی مشرکان و کافران را دشنام دهند، چگونه روا باشد هم کیشان خود را که با آنها در بسیاری از چیزها اشتراک دارند دشنام دهند.

در روایت ها آمده است که شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و امام به او فرمود: «این چه بحثی بود که میان تو و ساربان شترهایت پیش آمده بود، مبادا او را دشنام داده و بدزبانی و نفرین کرده باشی؟!» مرد گفت: به خدا سوگند چنین کردم که فرمودی، ولی او به من ستم کرده بود. امام فرمود: «اگر او به تو ستم کرده است، تو از او پیش افتاده ای. به راستی که این کردار از اخلاق من نیست. من شیعیانم را چنین دستور نمی دهم. از پروردگارت آمرزش بخواه و آن کردار را تکرار مکن!» او نیز از خدا طلب بخشش کرد.(۱)

ناسزاگویی، احساسات را برمی انگیزد و بر کینه و دشمنی می افزاید و طرف مقابل را به انتقام گرفتن وامی دارد. هنگام برانگیخته شدن احساسات نیز فرد، دیگر منطقی نمی اندیشد و تصمیم درست نمی گیرد. در این حالت دیگر بر کارها و گفتار خود کنترلی ندارد و نمی فهمد چه می گوید و چه می کند. این نسنجیده گویی و مهار نکردن زبان، افزون بر آسیب هایی که به فرد و اطرافیانش وارد می آورد، ماهیت واقعی او را نیز به آنها می شناساند. از سوی دیگر نیز این

۱- اصول کافی، ص ۱۷.

اهانت های کلامی و سخنان زشت، ممکن است به اِعمال خشونت و درگیری های فیزیکی بینجامد.

حکیمی را ناسزا گفتند. او هیچ پاسخی نداد. به او گفتند: ای حکیم! چرا پاسخ نگفتی؟! حکیم گفت: «بدان جهت که در جنگی داخل نمی شوم که برنده آن، بدتر از بازنده است».(۱)

و) بردباری

و) بردباری

صبر یکی از بزرگ ترین فضیلت های اخلاقی است که با وجود آن، انسان بر بسیاری از مشکلات زندگی چیره می شود. از آنجا که انسان آمیزه ای از عقل و شهوت است، ممکن است گاهی در برابر خطاهای دیگران چنان خشمگین شود که برای آرام ساختن خود، به آنان تهمت های ناروا بزند و آسیبی بر جسم و روحشان وارد کند. افزون بر این، خود نیز مرتکب گناهان بزرگی چون کینه جویی، انتقام و حتی قتل شود. ازاین رو، حضرت علی(ع) فرمود: «آگاه باش که خشم تو را به ارتکاب گناه وادار نکند؛ چراکه درنتیجه خشمت شفا می یابی، ولی دینت بیمار می شود».(۲)

بهترین واکنش انسان در زمان خشم، سکوت و صبر کردن است تا زمانی که به حال عادی بازگردد؛ زیرا ممکن است در هنگام خشم کاری کند یا سخنی بگوید که بعدها پشیمان شود. امام علی(ع) سلاح مبارزه با خشم را صبر دانسته و فرموده است: «خود را از برافروختگی آتش خشم [دور] نگه دارید و برای پیکار با آن، از بردباری [توشه ای] تهیه کنید».(۳)

۱- بهایی، کشکول، ص ۴۰۳.
۲- ابی ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۸.
۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۲۵۰۷.

شکیبایی پیشه کردن در برابر اختلاف ها و سوءتفاهم های پیش آمده، در کنار جلوگیری از بسیاری خطاها که فرد ممکن است مرتکب شود، صفا و صمیمیت و گرمی روابط انسانی را نیز حفظ می کند.

ز) پوزش طلبی

ز) پوزش طلبی

عذرخواهی پس از ارتکاب خطا، از شایسته ترین رفتارهای انسانی و نشانه کمال اوست. خردمندان هنگام بروز اختلاف با طرف مقابل خود، لحظه ای با خویشتن خلوت می کنند و در مورد آنچه اتفاق افتاده است، می اندیشند. سپس با بررسی همه جانبه موضوع، سهم خود را در اشتباه های پیش آمده می پذیرند و با کمال شهامت از طرف مقابل عذرخواهی می کنند؛ زیرا یقین دارند که با این عمل نه تنها کوچک نمی شوند، بلکه خرد خویش را ثابت می کنند، چنان که حضرت علی(ع) فرمود: «اَلْمَعْذِرَهُ بُرْهانُ الْعَقْلِ؛ پوزش خواهی، دلیل خردمندی است».(۱)

عذرخواهی به خاطر اشتباه خود، محبت و صمیمیت می آفریند، پیوندها را محکم تر می سازد و از ریشه دار شدن کینه ها و کدورت ها جلوگیری می کند. اعتراف به خطا و اشتباه، انسان را از عذاب وجدان می رهاند و به شناخت بهتر او از خود کمک می کند تا درصدد جبران ناتوانی هایش برآید. طرف مقابل نیز وظیفه دارد عذر او را بپذیرد، چنان که امام سجاد(ع) فرمود:

إِنْ شَتَمَکَ رَجُلٌ عَنْ یَمِینِکَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلی یَسارِکَ فَاعْتَذَرَ إِلَیْکَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ. (۲)

اگر مردی از طرف راستت به تو ناسزا گفت و سپس به طرف چپت آمد و عذر خواست، عذرش را بپذیر.

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۳۹، ح ۱۲۱۳۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۳۴.

البته باید توجه داشت که پس از پذیرفتن عذر خطاکار، هرگز نباید او را به ویژه در جمع دوستان و آشنایان به اقرار وادار کرد؛ زیرا این کار غرور وی را جریحه دار می کند و سبب می شود او در آینده از پذیرش خطاهایش سر باز زند.

افرادی که با وجود آگاهی از لغزش هایشان، بی هیچ دلیل خاص و منطق پذیرفته ای عذرخواهی نمی کنند، افرادی ناتوان و زبون هستند.

ح) ایجاد فضای مناسب برای گفت وگو

ح) ایجاد فضای مناسب برای گفت وگو

هنگام اختلاف و کشمکش، بهتر است محیطی آرام و مناسب برای گفت وگو درباره مسائل مورد اختلاف فراهم کرد. در چنین فضایی طرفین باید بدون تحریک به مجادله و دعوا، فرصت صحبت کردن را به دیگری بدهند و سخنان یکدیگر را در آرامش بشنوند و در پایان سخنان همدیگر، توضیح های لازم را با آرامش بیان کنند. آن گاه هر یک مسئولیت اشتباه خود را بپذیرند و از یکدیگر عذرخواهی کنند.

این گونه گفت وگوها کمک می کند تا انسان با آگاه شدن از خواسته های دیگران و کاستی های خود، در مسیر برقراری روابطی صمیمی تر و گرم تر گام بردارد. اگر افراد، اهل منطق و گفت و گو باشند و سخنان خود را با دلیل و بدون تعصب و لجاجت و عصبانیت برای یکدیگر بیان کنند، جزئیات مسائل اختلافی را مشخص و برای حل آنها هم فکری کنند و راهکاری مؤثر ارائه دهند، گره بسیاری از مشکلات گشوده خواهد شد.

صحبت مستقیم و بی واسطه درباره مسائل اختلافی، بسیار بهتر و کارسازتر از دخالت دادن کسانی است که در بیشتر موارد نیز کاری از دستشان

برنمی آیـد؛ زیرا ممکن است طرف مقابل از بیم رسوایی و بی آبرویی، اشـتباه خود را نپـذیرد و کسـی را که سـبب شده او در نظر دیگران خودخواه و بی منطق جلوه کند، نبخشد و این امر بر شدت اختلاف ها می افزاید.(۱)

ط) تأکید بر نقاط مشترک

ط) تأکید بر نقاط مشترک

هر انسـانی متفـاوت از دیگران است و هیـچ دو نفری در جهان پیـدا نمی شونـد که چه از نظر ویژ گی های ظاهری و چه از نظر ویژ گی های روحی و اخلاقی یکسان باشـند، ولی وجود بعضـی هماننـدی ها افراد را به هم نزدیک می کنـد و در هنگام قهر و جـدایی، توجه دادن آنها به این هماننـدی ها از شـدت کـدورت و کینه ایجاد شـده می کاهـد. همچنین، یادآوری کمک های طرف مقابل در سـختی ها و مشـکلات، تحمل اشـتباه آنها را برای انسان آسان تر می کند و بدین ترتیب، از عمیق شدن کینه و کدورت ها جلوگیری می شود و روابط انسانی محکم تر و صمیمانه تر خواهد شد.

ی) عبرت گرفتن از حوادث و زندگی دیگران

ی) عبرت گرفتن از حوادث و زندگی دیگران

انسـان خردمنـد از هرچه پیرامون خود می بینـد، عبرت می گیرد و از هر حادثه ای نکته ای می آموزد و به این ترتیب از لغزش هـای خـود می کاهـد، آن گـونه کـه حضـرت علی(ع) فرمـود: «مَنْ کَثُرَ اِعْتِبـارُهُ قَـلَّ عِثـارُهُ؛ هرکس زیـاد عـبرت گیرد، کمـتر بلغزد».(۲)

یکی از عوامل آسـیب پـذیر بودن روابط انسان ها، نداشـتن تجربه و آگاهی های لازم در شـیوه برخورد با مشـکلات و سـختی هاست. استفاده از

۱- نک: جواد محدثی، آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۲۴ ـ ۲۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۴۴، ح ۱۱۷۸۲.

تجربه هـای بزرگـان و فرزانگـان که حاصل یک عمر زنـدگی با تمام فراز و نشـیب هایش و رویارویی با کامیابی ها و ناکامی هـاست، به انسان کمک می کنـد تا از تکرار اشـتباه ها و هـدر رفتن وقت جلوگیری کنـد. عبرت آموزی از زنـدگی دیگران و حادثه ها، ناپایـداری دنیا را به انسان یادآوری می کند و به او می آموزد که با توجه به کوتاه بودن عمر انسان و جاودانه نبودن وی، بهتر است فرصت را از دست ندهـد و از بودن در کنـار نزدیکـان و دوسـتان لـذت ببرد، بـا بزرگواری لغزش هـای آنان را ببخشـد و روزگـار را در حـال آشتی بـا دیگران سپری کنـد. حضـرت علی(ع) نیز یکی از آثار عبرت آموزی از حوادث جهان پیرامون را سازگاری عبرت گیرنده دانسته و می فرماید: «اِعْتَبِرْ تَقْتَنِعْ؛ عبرت گیر تا قانع و سازگار شوی».(۱)

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۴۴، ح ۱۱۷۸۲.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

۱. راهکارهای پرداختن به موضوع در رسانه

۲. پرسش های مصاحبه

۳. پرسش های کارشناسی

۴. معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

۱. راهکارهای پرداختن به موضوع در رسانه

اشاره

۱. راهکارهای پرداختن به موضوع در رسانه

برخی برنامه ها میان خانواده ها و زوج ها، اختلاف آفرین یا افزایش دهنده اختلاف هاست، مانند برنامه هایی که در آنها تشریفات زیادی در زندگی ها به چشم می خورد. بنابراین، باید از تهیه چنین برنامه هایی پرهیز کرد یا در صورت ساخت این برنامه ها، ناپسند بودن چنین تشریفاتی نیز به مخاطب القا شود و او ناپسندی این عمل و پی آمدهای آن را درک کند و بداند که با وجود افراد نیازمند در میان بستگان و آشنایان و همسایگان و حتی در جامعه، نمی توان این گونه بی درد زیست.

در ادامه به شیوه هایی که رسانه می تواند در زمینه قهر و آشتی از آنها استفاده کند، اشاره می شود:

الف) معرفی موضوع

الف) معرفی موضوع

درباره موضوع های زیر می توان فیلم و سریال، مستند، کارتون و انیمیشن ساخت.

یک ـ زن و شوهری که قصد جدایی دارند، ولی با پادرمیانی یکی از آشنایان، به اشتباه خود پی می برند و از تصمیم خود صرف نظر می کنند.

دو ـ اختلاف دو برادر بر سر مسائل مالی که با گذشت یکی از آنها، کدورت ها از بین می رود.

سه ـ مزاحمت های همسایه ای سبب ناراحتی دیگر همسایه ها شده و با میانجی گری یکی از بزرگان محل مشکل حل می شود.

چهار ـ سخن چینی، آتش خشم و قهر و کینه را میان دوستان یا افراد فامیل برمی افروزد و آنها را از یکدیگر جدا می کند تا اینکه یکی از آنها به موضوع پی می برد و با راندن سخن چین از میان خود، دوباره همه با یکدیگر آشتی می کنند.

پنج ـ ساخت برنامه درباره کسانی که در آشتی دادن خانواده ها و برطرف کردن اختلاف دوستان تلاش کرده و موفق شده اند.

ب) گزارش

ب) گزارش

یک ـ تهیه گزارشی از دادگاه ها و شوراهای حل اختلاف و بیان مسائلی که سبب اختلاف میان خانواده ها و همسایه ها شده و بیان راهکارهای قانونی و اخلاقی برای حل این اختلاف ها.

دو ـ تهیه گزارشی از کسانی که در آشتی دادن افراد موفق بوده اند و نمایش شیوه های حل اختلاف آنها.

سه ـ تهیه گزارشی از واکنش کودکان و نوجوانان، هنگام دعوای والدین.

چهار ـ تهیه گزارشی از زندان ها و زندانیانی که هنگام عصبانیت نتوانسته اند خشم خود را کنترل کنند و حادثه ای ناگوار به بار آورده اند یا بزهکارانی که بر اثر اختلاف ها و درگیری های والدینشان و بی توجهی آنها، به راه خلاف آمده اند.

ج) آیات قرآن

یک _ تمسک به دستورهای قرآن و حل اختلاف ها و سوء تفاهم ها

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَميعًا وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ... . (آل عمران: ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند، باشد که شما راه (هدایت را) یابید.

دو_ دعوت به تقوا و صلح و سازش

... فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ. (انفال: ۱)

پس، از خدا پروا کنید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

سه _ رحمت الهی بر سازش دهندگان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ... (حجرات: ۱۰)

درحقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان دو برادر را سازش دهید و از خدا پروا دارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید.

چهار_ انتخاب داور در اختلاف های خانوادگی

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَيْنِهِما فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِها إِنْ يُريدا إِصْلاحًا يُوَفِّقِ اللّهُ بَيْنَهُما إِنّ اللّهَ كانَ عَليمًا خَبيرًا. (نساء: ۳۵)

و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید، پس داوری از خانواده شوهر و داوری از خانواده زن معیّن کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است.

پنج ـ نکوهش سوگند خوردن برای دوری از واسطه گری میان مؤمنان

وَ لا تَجْعَلُوا اللّهَ عُرْضَهَ لِأَیْمانِکُمْ أَنْ تَبَرّوا وَ تَتّقُوا وَ تُصْلِحُوا بَیْنَ النّاسِ وَ اللّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ... . (بقره: ۲۲۴)

و خدا را دست آویز سوگندهای خود قرار مدهید تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزکاری و سازش دادن میان مردم باز ایستید و خدا شنوای داناست.

د) احادیث

یک ـ نکوهش قهر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

هِجْرُ الْمُسْلِمِ أَخاهُ کَسَفْکِ دَمِهِ.(۱)

قهر کردن مسلمان با برادرش، مانند ریختن خون اوست.

دو ـ قهر، عامل نپذیرفته نشدن اعمال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

یا أَباذَرٍّ إِیّاکَ وَ هِجْرانَ أَخِیکَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لایُتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرانِ.(۲)

ای ابوذر! از قهر کردن با برادرت بپرهیز که با وجود قهر، عمل پذیرفته نمی شود.

سه ـ کیفر قهر کردن بیش از سه روز

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۱۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

پیامبر:

لایَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ یَهْجُرَ مُؤْمناً فوقَ ثَلاثٍ فَإِنْ مَرَّتْ بِهِ ثَلاثٌ فَلْیَلْقَهُ فَلیُسَلِّمُ عَلَیْهِ فَإِنْ رَدَّ عَلَیْهِ السَّلامَ فَقَدِ اشْتَرَکا فِی الْأَجْرِ وَ إِنْ لَمْ یَرُدُّ عَلَیْهِ فَقَدْ باءَ بِالْإِثْمِ وَ خَرَجَ المُسَلِّمُ مِن الْهِجْرَهِ.(۱)

بر هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه روز با مؤمنی قهر کند. پس بعد از سه روز باید به دیدارش رود و به او سلام کند؛ اگر پاسخ سلامش را داد، هر دو در پاداش آن شریکند و اگر پاسخ سلامش را نداد، گناهکار است و سلام کننده از حالت قهر درآمده است.

چهار ـ بذر قهر و دشمنی

حضرت علی(ع):

لِکُلِّ شَیءٍ بَذرٌ وَ بَذْرُ الْعَداوِهِ الْمِزاحُ.(۲)

هر چیزی را بذری است و بذر دشمنی، شوخی کردن است.

پنج ـ کمال نیک بختی

حضرت علی(ع):

مِن کَمالِ السَّعادَهِ السَّعْیُ فِی صَلاحِ الْجُمْهُورِ.(۳)

کوشش در راه صلح و آشتی دادن میان مردم، از کمال نیک بختی است.

شش ـ رسیدن به مقصود، در پی آشتی دادن

حضرت علی(ع):

مَنْ اسْتَصْلَحَ الْأَضْدادَ بَلَغَ الْمُرادَ.(۴)

هر کس مخالفان را صلح و آشتی دهد، به مقصود خود برسد.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۱۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۱۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۷.
۴- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۷.

هفت ـ پیش قدمی در برقراری پیوند

حضرت علی(ع):

اِحملْ نَفْسَکَ عِنْدَ شِدَّهِ أَخیکَ عَلَی اللِّینِ وَ عِنْدَ قَطیعَتِهِ عَلَی الْوَصْلِ وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَی الْبَذْلِ وَ کُنْ لِلَّذِی یَبْدُو مِنْهُ حَمُولاً وَ لَهُ وَصُولاً.(۱)

به هنگام درشتی برادرت، خود را به نرمی وادار و چون جدایی پیشه کند، به او بپیوند و چون بخل ورزد، بخشش کن و آنچه از او سر می زند، تحمل کن و با او بپیوند.

هشت ـ آسان ترین راه برخورد با دشمنان

حضرت علی(ع):

اَلْإسْتِصْلاحُ لِلْأَعْداءِ بِحُسْنِ الْمَقالِ وَ جَمِیلِ الْأَفْعالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلاقاتِهِمْ وَ مَغالَبَتِهِمْ بِمَیضِضِ الْقِتالِ.(۲)

آشتی دادن دشمنان با زبان خوش و رفتار نیک، آسان تر از رویارویی با آنهاست و چیره جویی بر ایشان از راه پیکار، سخت است.

نه ـ آشتی و افزایش دوستان

حضرت علی(ع):

مَنِ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زادَ فِی عَدَدِهِ.(۳)

هر کس دشمن خود را به آشتی کشاند، بر شمار (یاران و دوستان) خود بیفزاید.

ده ـ لزوم آشتی با برادر

امام صادق(ع):

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ رَجُلٌ یَبْدَؤُهُ أَخُوهُ بِالصُّلْحِ فَلَمْ یُصالِحْهُ.(۴)

۱- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۵۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۱۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۱۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

ملعون است، ملعون است کسی که برادرش با وی از در صلح و آشتی درآید و او آشتی نکند.

یازده _ نیکی به جای بدی

حضرت علی(ع):

لایَکُونَنَّ أَخُوکَ أَقْوی عَلی قَطیعَتِکَ مِنْکَ عَلی صِلَتِهِ وَ لا تَکُونَنَّ عَلی الْإساءَهَ أَقْوی مِنْکَ عَلَی الْإحْسانِ.(۱)

نبایـد توانـایی برادرت در قطع رابطه بـا تو بیشتر از توانـایی تو در پیونـد بـا او باشـد و نبایـد توانـایی او بر بـدی کردن، بیشتر از توانایی تو بر نیکی کردن باشد.

دوازده _ مقابله به مثل نکردن

حضرت علی(ع):

اِحْمِلْ نَفْسَکَ مِنْ أَخِیکَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَی الصِّلَهِ... وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَی الْبَذْلِ... .(۲)

چون برادرت با تو قطع رابطه کرد، تو پیوندت را با او مبر... و چون بخل ورزد، تو بخشش کن... .

سیزده _ پیوند با خویشاوند

پیامبر:

صِلْ مَنْ قَطَعَکَ وَ أَحْسِنْ إِلی مَنْ أَساءَ إِلَیْکَ وَ قُلِ الْحَقَّ وَ لَوْ عَلی نَفْسِکَ.(۳)

با کسی که از تو بریده، بپیوند و به آن که به تو بدی کرده، خوبی کن و حق را بگو هرچند به زیانت باشد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۰.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶،ص ۱۰۴.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۰۱۹.

چهارده _ دوری رحمت از قطع کننده رابطه فامیلی

پیامبر:

إِنَّ الرَّحْمَهَ لاتَنزِلُ عَلی قَوْمٍ فِیهِمْ قاطِعُ رَحِمٍ.(۱)

رحمت [خداوند] بر مردمی که میان آنها قطع کننده رحم باشد، فرود نمی آید.

پانزده _ قطع رحم، مانع پذیرش اعمال

پیامبر:

... والْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَم یَنْفَعْهُ... عَمَلٌ.(۲)

با قطع رحم، هیچ عمل نیکی به حال انسان سودمند نیست.

شانزده _ ستیزه جویی، عامل جدایی

امام هادی(ع):

اَلْمِراءُ یُفْسِدُ الصَّداقَهَ الْقَدِیمَهَ وَ یُحَلِّلُ الْعُقْدَهَ الْوَثِیقَهَ وَ أَقَلُّ ما فِیهِ أَنْ تَکونَ فِیهِ الْمُغالَبَهُ وَ الْمُغالَبَهُ أُسُّ أَسْبابِ الْقَطِیعَهِ.(۳)

ستیزه جویی، دوستی دیرینه و پیوند محکم را بر باد می دهد و... کمترین چیزی که در ستیزه جویی است، این است که هر یک [از طرف های اختلاف] می خواهد بر دیگری چیره شود و این مسئله، عامل اصلی بریده شدن پیوند دوستی است.

هفده _ فرجام گوش سپردن به سخن چین

حضرت علی(ع):

مَنْ أَطاعَ الْواشِیَ ضَیَّعَ الصَّدِیقَ.(۴)

هر کس به حرف سخن چین گوش دهد، دوست خود را از دست می دهد.

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۰۲۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، باب ۳، ح ۶۸.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰۲۱.

۴- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰۲۱.

هجده _ بدگمانی، عامل قهر و جدایی

حضرت علی(ع):

لا یَغْلِبَنَّ عَلَیْکَ سُوءُ الظَّنِّ فَإِنَّهُ لا یَدَعُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ صَدِیقٍ صَفْحاً.(۱)

زنهار که بدگمانی هرگز بر وجود تو چیره نشود؛ زیرا جایی برای دوستی تو با کسی باقی نمی گذارد.

نوزده _ خرده گیری در دوستی

امام صادق(ع):

اَلْإِسْتِقْصاءُ فُرْقَةٌ اَلْإِنْتِقادُ عَداوَهُ.(۲)

خرده گیری و موشکافی در روابط، از عوامل جدایی و دشمنی، و انتقاد عامل دشمنی است.

ه_) داستان و حکایت

اشاره

ه_) داستان و حکایت

زیر فصل ها

دلتنگی

صله رحم یک جانبه

فرجام آزردن بستگان

دلتنگی

دلتنگی

پدر و عمویم به خاطر اختلافی قدیمی، مدت ها با هم قهر بودند. مدتی بود که احساس می کردم آنها می خواهند آشتی کنند، ولی کسی پادرمیانی نمی کرد، تا اینکه پدرم به زیارت رفت. من فرصت را مناسب دیدم و پس از بازگشت پدرم به او

گفتم: شـنیده ام که عمویم می خواهد به دیدنتان بیاید، چون شـما زائر بوده اید! پدرم گفت: قدمش روی چشم. او برادر عزیز من است و مـدت هاست که منتظر چنین فرصتی هسـتم. با دیـدن واکنش پـدر، نزد عمویم رفتم و گفتم: پدرم مدت هاست که دلتنگ

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰۲۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۰۲۳.

شماست. عمو نیز همچون برادر خود با اشتیاق گفت: من منتظر فرصتی بودم تا خدمت او برسم و ان شاءالله امروز به دیدنش می روم.(۱)

صله رحم یک جانبه

صله رحم یک جانبه

عبدالله سنان می گوید: پسرعمویی داشتم که هرچه به دیدار او می رفتم و صله رحم می کردم، او یادی از من نمی کرد. من نیز تصمیم گرفتم با او قطع رابطه کنم. هنگامی که خدمت امام صادق(ع) رسیدم، موضوع را با آن حضرت مطرح و از ایشان کسب تکلیف کردم.

آن حضرت مرا از تصمیمم بازداشت و فرمود: «اگر تو به صله ارحامت ادامه دهی و او از تو بِبُرد، خداوند به هر دوی شما نظر لطف می کند، ولی چنانچه تو رابطه خود را با او قطع کنی و او هم قطع کند، خدا از هر دوی شما خواهد برید».(۲)

فرجام آزردن بستگان

فرجام آزردن بستگان

مردی خدمت امام صادق(ع) رسید و عرض کرد: برادران و عموزادگانم، خانه را بر من تنگ کرده و مرا به ترک خانه واداشته اند. اگر می خواستم، می توانستم از ایشان شکایت کنم و حقم را بگیرم. امام فرمود: صبر کن، شاید خدا گره از کارت بگشاید. مرد از خدمت امام رفت. بر اثر شیوع بیماری وبا، عده ای از مردم از جمله بستگان آن مرد نیز مردند. پس از این ماجرا مرد دوباره به دیدن امام صادق(ع) رفت. امام از او احوال بستگانش را پرسید. مرد گفت که همه آنها از دنیا رفته و کسی باقی

۱- سیدهادی مدرسی، دوستی و دوستان، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳، چ ۲،ص ۳۷۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

نمانـده است. امام فرمود: «این نتیجه سـتمی بود که در حق تو مرتکب شدنـد و خود را به عاق تو گرفتار ساختند.» آن گاه امام در ادامه سـخنانش فرمود: «آیـا دوست می داشتی که ایشان زنـده باشـند و بر تو سـخت گیرنـد؟» مرد پاسـخ داد: به خـدا قسم، آری!(۱)

و) گفتار مجری و زیرنویس

و) گفتار مجری و زیرنویس

(زندگی، فرصتی کوتاه برای دوست داشتن است، پس این لحظه های بی بازگشت را با قهر و کینه از دست ندهیم.

(تمام تلخی و دشواری لحظه های جدایی، با شیرینی وصل و رسیدن دوستان به هم، فراموش می شود.

(در میان دو کس دشمنی میفکن که ایشان چون صلح کنند، تو در میانه شرمسار باشی.(۲)

سعدی

(ازدواج هـا چقـدر بهتر می بود، اگر زن ها و شوهر ها درک می کردنـد که هر دو، در یک صف برای هم و نه در مقابل هم ایستاده اند.(۳)

(برای دوست خـود، یـک بـاره تمـام محبت خـود را ظـاهر مکن؛ زیرا هر وقت انـدک تغییری مشاهـده کرد، تو را دشـمن می دارد.(۴)

سقراط

۲. پرسش های مصاحبه

۲. پرسش های مصاحبه

یک ــ اگر اختلافی میان دو تن از نزدیکان شما پیش آید، چه می کنید؟

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۳.

۲- رهنمون، ص ۲۴۱.

۳- حسین سیدی، یک شاخه گل مینا، قم، نسیم اندیشه، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۱۹.

۴- رهنمون، ص ۳۵۲.

دو ــ آیا اگر اختلافی میان شما و یکی از اقوام یا دوستانتان پدید آید، برای آشتی پیش قدم می شوید؟ چرا؟

سه ــ شما ناراحتی و دلخوری میان خود و همسرتان را چگونه برطرف می کنید، از دیگران کمک می گیرید یا می کوشید خودتان آن را برطرف کنید؟

چهار ــ آیا با دوستان و آشنایان زود قهر می کنید، چرا؟

پنج ــ چه چیزهایی می تواند عامل کدورت و قهر میان خانواده ها و دوستان باشد؟

شش ــ برای پیش گیری از قهر افراد خانواده و فامیل و دوستان چه باید کرد؟

هفت ــ در یک جمله چهره ای از قهر و در جمله ای دیگر چهره ای از آشتی را ترسیم کنید.

هشت ــ آیا تا به حال در محیط کار اختلافی با همکارانتان پیدا کرده اید؟ اگر بوده آن را بیان کنید.

۳. پرسش های کارشناسی

۳. پرسش های کارشناسی

۱. آثار منفی قهر بر روی خانواده ها و فرزندان آنها چیست؟

۲. آثار منفی قهر را در جامعه و اجتماع بیان فرمایید.

۳. بیشترین مسائلی که سبب اختلاف در خانواده ها می شود، چیست و برای تقویت پیوندهای خانوادگی چه باید کرد؟

۴. نقش و وظایف طرفین دعوا در آشتی چیست؟

۵. دیگران چه نقشی می توانند در میانجی گری برای حل اختلاف ها داشته باشند و برای فرهنگ سازی اصلاح ذات البین در جامعه چه باید کرد؟

۶. آشتی و پیوندهای خانوادگی چه آثار مثبت روانی بر روی افراد و خانواده ها دارد؟

۷. به چه دلایلی برخی افراد برای آشتی پیش قدم نمی شوند؟

۸. موانع میانجی گری برای حل اختلاف ها در جامعه ما چیست و با توجه به تأکید آموزه های اسلامی بر آشتی دادن، به چه دلیل بعضی از این کار سر باز می زنند؟

۹. به نظر شما روابط افراد و میزان پیوند آنان چه اثری در پیشرفت و توسعه جامعه داشته است و برای تقویت و محکم تر کردن این پیوندها چه باید کرد؟

۴. معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

۴. معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

بی وایل، دانیل، بیا من و تو، ما شویم، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران، اوحدی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲. گری، جان، آشتی و مصالحه میان زن و مرد، ترجمه: قدیر گلکاریان، تهران، طلایه، ۱۳۸۴.

۳. طغیان، محمدیونس، آشتی در شاهنامه و برخی حماسه های دیگر، کابل، آکادمی علوم جمهوری افغانستان، ۱۳۶۹.

۴. اسپرینگ، آبراهامز،جنیس، پیوند زخم خورده، ترجمه: مرجان فرجی، تهران، فردوس، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵. الماسی، مهدی، خدا با دوستان خود صمیمی است، تهران، فرهنگ گستر، کتاب سیب، ۱۳۸۰. (کودک و نوجوان)

ص:۹۴

۶. اوهارا، نانسی، روان شناسی آشتی، زیستن برای زیستن، ترجمه: فرشته نایبی، تهران، نزهت، ۱۳۸۵.

۷. راکن، برنارد، زندگی یعنی... آشتی با خود و دیگران، ترجمه: نسرین گلدار، تهران، آیسم، ۱۳۸۵.

۸. کارنگی، دیل، آیین دوست یابی، چگونه دوستان خوب بیابیم و آنان را حفظ کنیم، ترجمه: آذر محزون، تهران، کتاب درمانی، ۱۳۸۵.

۹. نیومن، میلدرد، برنارد برکوونیز، و جین اوئن، چگونه بهترین دوست خود باشیم، ترجمه: مهرنوش طلا-یی، تهران، پل، ۱۳۸۴.

۱۰. داستان هایی از قهر خدا، تنظیم: مهدی صاحب هنر، کاشان، مرسل، ۱۳۸۲.

۱۱. رضائیان، محمدباقر، مهر و قهر (در ساختار شخصیت کودک و نوجوان)، مشهد، ضریح آفتاب، ۱۳۸۲.

کتاب نامه

الف) کتاب ها

* قرآن.

* نهج البلاغه.

۱.شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات ویستار، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۲.حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه: بهزاد جعفری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۹.

۳.جمعی از نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب اسلامیه، چاپ هشتم، ۴ _ ۱۳۷۳.

۴.خسروی، موسی، پند تاریخ، تهران، اسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

۵.بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۶.علی بن بابویه (شیخ صدوق)، خصال، تهران، جاویدان، ۱۳۶۲.

۷.عبداللهی، علی محمد، چه کنیم تا یک خانواده خوب داشته باشیم؟، قم، نشر روح، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۸.نیومن، میلدرد، برنارد برکوویتز، و جین اوئن، چگونه بهترین دوست خود باشیم، ترجمه: مهرنوش طلایی، تهران، پل، ۱۳۸۴.

۹.ذوالفقاری، حسین، رهنمون، تهران، اوسان، چاپ یازدهم، ۱۳۷۹.

۱۰.محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه: حسن اسلامی با همکاری محمد تقدیری، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۹.

۱۱.مدرسی، سید هادی، دوستی و دوستان، ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۱۲.مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۳.طاهری، حبیب الله، سیری در مسائل خانواده، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۴.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ مصر.

۱۵.تمیمی آمدی، محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۱۶.ابن ابی جمهور، محمد، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه_.ق.

۱۷.تمیمی آمدی، محمد، غررالحکم و دررالکلم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۸.معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.

۱۹.اسماعیلی، مهدی، گذری بر حقوق همسایگان، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

۲۰.کشکول شیخ بهایی(ره).

۲۱.کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

۲۲.کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، رها، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲۳.متقی هندی، کنزالعمال، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ه_.ق.

۲۴.لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید)، ۱۳۷۷.

۲۵.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۲۶.راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم، ذوی القربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه_.ق (۱۹۹۶ م).

۲۷.نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ ششم، ۱۳۸۰.

۲۸.محجه البیضاء.

۲۹.نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ه_.ق.

۳۰.دشتی حسینی، مصطفی، معارف و معاریف، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۹.

۳۱.شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دار الضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ ه_ .ق.

۳۲.بابازاده، علی اکبر، آیین دوستی در اسلام، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۴.

۳۳.تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۳۴.اسحاقی، سیدحسین، نسیم هم بستگی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۳۵.علیزاده، حسین، نکته های معنوی، پیک دانشجو، ۱۳۷۷.

۳۶.شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البیت(ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۳ ه_ .ق.

۳۷.سیدی، حسین، یک شاخه گل مینا، قم، نسیم اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۸.شبر، سید عبدالله، اخلاق (کتاب الاخلاق)، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، هجرت، چاپ دهم، ۱۳۸۳.

۳۹.صدری، سید ضیاءالدین، آیینه ازدواج و روابط همسران، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۴۰.محدثی، جواد، آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴۱.مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، بی نا، ۱۴۰۳ ه_ .ق.

۴۲.موسوی، سید اطهر، با لهجه بهار، تهران، کتاب فروشی نیستان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ب) مقاله

۱. ابراهیمی، امرالله و همکاران، «بررسی رابطه صله رحم با اختلالات افسردگی»، نشریه طب و تزکیه، شماره ۴۴.

ج) پایگاه اینترنتی

.http: //daneshnameh.roshd.ir

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹